

” بر حسب تاکیدات قلم اعلی و تاییدات
ملکوت عهدالله عموم احباء من غیر
تاویل واستثناء از امور سیاسیه بهیچ
وجه دم نزنند زیرا نتائج وخیمه دارد
و بر اموالله و اولیاءالله مضرات عظیمه
وارد شود ”
حضرت ولی امرالله

اخبار امری

(نشریه محفل روحانی ملی بهائیان ایران)

شماره چهارم	شهر الکمال - شهرالاسماء	مرداد ماه
	۱۰۲	۱۳۲۴

از بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

(استخراج از سفرنامه مبارک جلد اول و دوم)

در امر بهاء الله بر هر نفسی اشتغال به
صنعت و کسبی فرض است مثلاً من حصیربافی
میدانم و شما صنعت دیگر این عین عبادت -
است اگر با نهایت صداقت و امانت باشد و این
سبب ترقیست اما با وجود مشغولیت اگر قلب
تقید و تعلقی باین دنیا نداشته باشد و از
حوادث متالم نگردد نه با ثروت عالم از خدمت
نوع انسان ممنوع ماند و نه از فقر محزون شود
این کمال انسان است والا در حالت فقر
اظهار کرم و با حال ضعف ادعای عدل نمودن
قبولی است آسان نه دلیل بر تربیت و تذکرو جو
انسان .

۱ - فقیر صابر بهتر از غنی شاکر است اما
فقیر شاکر بهتر از فقیر صابر است و بهتر از همه

غنی منفق است که از امتحان خالص مانده و
سبب آسایش نوع انسان گشته با آنکه شکر سبب
از دیان نعمت است ولی کمال شکر با نفاق است و
مقام انفاق اعظم مقامات .

۳ - یکی از پادشاهان وقت مردن آرزوی مقام
فقرا مینمود و میگفت کاش من فقیر بودم که اولاً -
ظلم نمینمودم و ثانیاً دم آخر حسرتی نداشتم
فقیری شنید و گفت الحمد لله که ملوک وقت موت
آرزوی فقیر بودن مینمایند ولی ما فقرا وقت مردن
هیچ آرزوی اینکه کاش پادشاه بودیم نمیکیم .
۴ - شما ها باید بانچه سبب آسایش عالیه
انسانی است تشبث نمائید یتیمها را نوازش کنید
گرسنه ها را سیر نمائید برهنه را بپوشانید بیچاره ها
را دستگیری کنید تا مقبول درگاه الهی شوید
۵ - من جمیع را دوست میدانم و بشما نصیحت
مینمایم که بنفرا مهربان باشید محبت نمائید
۳ آنها را دستگیری کنید زیرا فقرا دلشکسته اند

فهرست مندرجات

لوح منیع مبارک موسوم به :

" God Passes By "

(یوم اللقاء) که از قلم مقدس مبارک مولای توانا ارواحنا لعظمه الفداء نازل گردیده است :
(استخراج و ترجمه از اخبار امری محفل مقدس -
روحانی ملی بهائیان امریکا و کانادا شماره ۱۷۱)

" فهرست مندرجات حاکی از طرح اساسی این کتاب بی نظیر است آغازش با مقدمه ئی بقلم دکتر جویج تا ونز هند قرار گرفته و ذیل آن نام و نشان و منصب او در تشکیلات کلیسای انگلستان ذکر شده است .

فصل اول تا پنجم ایام مبارک حضرت باب را بیان و شامل دوره اولیه تاریخ بهائی یعنی از سال ۱۸۴۴ تا هزار و هشتصد و پنجاه و سه میباشد فصل ششم تا سیزدهم ایام مظهریت حضرت بهاء الله را که دوره ثانی تاریخ بهائی را تشکیل داده و عبارت از مدت بین ۱۸۵۳ و ۱۸۹۲ می باشد خلاصه مینماید .

دوره ثالث عبارت از ایام مبارک حضرت عبدالبهاء است و فصل چهاردهم تا بیست و یکم وقایع عظیمه و اهمیت آن دوره را از سال ۱۸۹۲ تا ۱۹۲۱ بیان مینماید .

فصل بیست و دوم تا بیست و پنجم ظهور و مراحل نظم اداری بهائی را که شامل چهارمین دوره - تاریخ بهائی یعنی از ۱۹۲۲ تا ۱۹۴۴ میباشد توضیح میدهد .

در پایان این کتاب مستطاب فصلی است موسوم به (نظری بگذشته و آینده) .

در این کتاب نفیس حضرت ولی امرالله حقائق روحانیه جدیدی برای ما بیان فرموده اند که عبارت از تاریخ موثق آئین الهی در طی مدت اولین قرن تأثیرات خویش در زندگانی نوع بشر است . در هیچ یک از ادوار سابقه چنین امری انجام نیافته است که شرح حال شخص مقدس مظهر الهی و فحول اصحابش و مثل اعلی و مبین

اگر شما ها بجهت اغیا جاننثاری نمائید گمان میکنند مجبوری است ولی چون بفقر محبت کنید از صمیم قلب ممنون و خوشنود میشوند لهذا رعایت فقرا واجب است .

۶ - بهترین انسان کسی است که قلوب را به دست آورد و خاطر نیاز دارد و بدترین نفوس نفسی است که قلوب را مکرر نماید و سبب حزن مردمان شود همیشه بگوئید که نفوس را مسرور نمائید و قلوب را شادمان کنید .

۷ - کمال انسان در این است که بقدر وسع اولاد فقرا و اطفال سائرین راه هم تربیت نماید و آنها را مانند اولاد و اطفال خود داند و ابدا فرقی در میان نبیند بلکه هر طفل هوشیارتر است او را بیشتر خدمت و تربیت نماید تا مصدر کمالات و مروج فضائل عالم انسانی گردد اگر انسان تنها طفل خود را تربیت نماید هر چند این عمل مبرور است و جاذب عنایات رب غفور ولی هر کس بالطبع این کار را مایل و راغب است پس امتیاز و افتخار و خیر خواهی عالم انسانی در تربیت اطفال بسی کس و اولاد فقرا و ضغفاء است که آنگونه اطفال همیشه ممنون و متشکر آمردمان خیر خواه شوند و بیشتر خوشنود و قدر دان گردند بعکس اطفالی که خود را وارث و مستحق میدانند و پدر و مادر را مجبور بر تربیت خویش می بینند چندان قدر نمی دانند و چنان حریص بر تعلیم و ممنون مری نمیشوند که سائر اطفال بی پرستار میشوند و این حالت در اغلب مشهود است خوشا بحال نفوس مبارکه که بر این خدمت مرفوق و مویدند و در عالم وجود با آئین وظیفه عامل .

۸ - خدا صحن و حافظ ایتم است چه بسیار اطفال اغیا که در دنیا آواره شده اند و چه قدر اطفال فقرا و ایتم که بمواتب عالیه رسیده اند اگر حفظ عنایت الهی نبود بایستی همیشه ایتم پایمال شوند و اطفال اغیا بمانند پس حفظ و حمایت الهی با عدم هست هر که در تحصیل کمالات عالم انسانی سعی تر و متقی تر در درگاه الهی مقررترو در ترقیات پیشتر خواهد بود

باین محفل واصل و زیارت گردیده احبای الهی
میتوانند از لجنه نشریات اموی امریکا یا مستقیماً
و یا بواسطه لجنه محترمه کتابخانه ملی نسخ
توقیع منیع مبارک را بخواهند و از بیانات مقدسه
متعالیه مستفیض و متنعم گردند .

امر مهم مهاجرت

حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرمسه الاطهر
فداء در الواح مقدسه وصایا باین بیانا
مبارکه علیا ناطق قوله عز بیانه :

" دقیقه ئی آرام نگیرند و آنی استراحت نکنند
در ممالك و دیار منتشر شوند و آواره هر بلاد و
سرگشته هر اقلیم گردند دقیقه نیا ساینده و آنی
آسوده نگردند و نفسی راحت نجویند در هر
کشوری نعره یا بهاء الابهی زنند و در هر شهری
شهره آفاق شوند و در هر انجمنی چون شمع
بر افروزند و در هر محفلی نار عشق بر افروزند تا در
قطب آفاق انوار حق اشراق نماید و در شرق و غرب
جسم غفیری در ظل کلمه الله آید و نجات قدس
بوزد و وجوه نورانی گردد و قلوب ربانی شود و —
نفوس رحمانی گردد در این ایام اهم امور
هدایت ملل و امم است باید امر تبلیغ را مهم
شمرد زیرا اساس است این عبد مظلوم شب و
روز بترویج و تشویق مشغول گردید دقیقه ئی آرام
نیافت تا آنکه صیت امواله آفاق را احاطه نمود
و آوازه ملکوت ابهی خاور و باختر را بیدار کرد
یاران الهی نیز چنین باید بفرمایند این است —
شرط وفا و این است مقتضای عبودیت آستان بها
حواریون حضرت روح بکلی خود را و جمیع شئون را
فراموش نمودند و ترك سر و سامان کردند و مقدس و
منزه از هوی و هوس گشتند و از هر تعلقی بیزار
شدند و در ممالك و دیار منتشر شدند و بهدایت
من علی الارض پرداختند تا جهان را جهان دیگر
کردند و عالم خاک را تابناك نمودند و پایان زندگانی

کلمات مبارکش را وجود مبارکی بیان فرماید که
بقوی روحانیه موهوب باشد که بتواند
نظری بمباحب امر و وقایع مقدسه گذشتہ
افکنده و آنها را در زمان دیگری کاملاً مجسم
سازد .

از برکت قدرت حضرت ولی امر الله که تاریخ امر را
میتوانند بمثابة قوه حاضره حیاتی وزنده ئی
تشخیص دهند و نه صرفاً بمنزله يك واقعه
گذشته ملاحظه فرمایند ایام مبارک حضرت باب
و حضرت بهاء الله بار دیگر در انظار جلوه می
نماید .

ما میتوانیم در این کتاب مبارک بار دیگر واقعه
بحث حضرت باب و حبس و شهادت مبارکش و
صدمات وارده بر حضرت بهاء الله و نفی و سرگونی
حضرتش از شهر بشهری و عاقبت الامر مسجونیت
مبارکشان در عکا و سپس داستان مهیج خدمات
حضرت مولی الوری را که منتهی بنفوذ و استقرار
آئین حضرت بهاء الله در شرق و غرب عالم
گردید مشاهده نمائیم .

در این کتاب مستطاب پرتو روشنی بر تمام وقایع
و حوادث مهم افکنده شده و آثار عمده امر
حضرت بهاء الله و تعالیم اصلیه اش تجزیه و
تحلیل گردیده و قیام و سقوط خائنین و منکرین
مقتدر امر مقدس الهی توضیح داده شده
و قوای روحانی که بوسیله آن فعالیت جامعه
بهائی از ایران بامریکا سرایت نمود شرح و
بیان گردیده است . مقام خاص حضرت ولی
امر الله بسمت مبین آثار مقدسه بهائی در این
کتاب طوری جلوه نمود که نه فقط قادر بر تبیین
کلمه الله اند بلکه تاثیر آن کلمه را در نفوس
در از من مختلفه نیز تبیین توانند نمود از برکت
این کتاب فیض مغفور نصیب بهائیان میگردد که
بوسیله آن میتوانند در عالمی متحد زندگانی
نمایند و این عالم عبارت از مجموع دو عالم
روحانیت و بشریت است که برای وصول بمقدرات
الهی تحت نفوذ و تاثیر قوای آسمانی قسراً
گرفته است .

انتهی

چند جلد از این کتاب مستطاب اخیراً

در ره آن دلبر رحمانی جانفشانی کردند و هر يك در دیاری شهید شدند بمثل هذا فليحمل العالمون .
و در مقامی دیگر میفرمایند قوله الاحلی :

هو الله

ای آوارگان سبیل حق سر و سامان و آسودگی و آزادگی هر چند گام دل و راحت جان است ولی آزدگی و آوارگی در راه خدا به از صد هزار سر و سامان چه که این غربت و هجرت موجب از پی دارد و رحمت پیاپی زیرا لذت آسودگی در وطن و خلاوت آزادگی از محنت بگذرد ولی موجب هجرت در سبیل حضرت احدیت باقی و دائمی و مستمر و نتایج عظیمه از آن مشتهر هجرت خلیل سبب ظهور موهب رب جلیل شد و غربت ماء کنعانی علت جلوه بازار یوسفی گشت فرار حضرت کلیم و سیلاب مشاهده نار موقده ربانی شد و نهضت عیسوی سبب ظهور انفاس مسیحی گردید هجرت حضرت حبیب ابطحی علت اعلای کلمه نسور یثربی شد و غربت و استارت جمال مبارک اسباب انتشار نور نیر اشراق بر آفاق گردید فاعتبروا یا اولی الابصار و البهاء علیک . ع ع

مولای توانا ارواحنا لعظمته الفداء در تاکید و تایید بیانات مقدسه مبارک حضرت مولی الوری جل ثناءه در البواع شتی اهل بهاء را با اجرای این فریضه وجدانیه که اعظم وسیله ترویج و تحریز شریعه ربانیه است تشویق و ترغیب و در ضمن تلخیصات تعدیده اهمیت و فوریت این موضوع حیاتی را تبیین و تشریح فرموده اند .

چون کلیه دستورات منبیهه راجع با مرمهم مهاجرت بنویه خود بوسیله محافل مقدسه روحانیه با اطلاع پیران امر حضرت رب البریه رسیده در این مقام مزید تذکر و تبصرو تیمم و تبرک بدرج چند جمله از بیانات مبارکه اکتفا میشود .
تولیه عزیزانه :
آنچه مرجع و مقدم بر این امور و اعظم

وسيله نزول تایید و شمول فضل موفور رب غیور است احتتام در امر تبلیغ و ازدیاد عدد متبلین و ناشرین و مبلغین و تاسیس مراکز جدید در مدن و قراء و اعزام نفوس مستعدہ مقدسه زکیه باقالیم مجاوره و تعمیم و انتشار آثار مقدسه و تمهید وسائل مادی و لوازم ضروریه این امر خطیر از جمیع قسمتهای امریه آن خطه مبارکه است . از قبل کارا و مزارا این امر عظیم که فی الحقیقه اولین فریضه مقدسه پیران امر حضرت رب العالمین در آن سرزمین است در نامه های متعدد تاکید گشته و نتایج کلیه شرائط اساسیه و لوازم ضروریه آنرا این عبد تصریح و تبیین نموده و از برگزیدگان جمال قدم در آن اقلیم مکرم متتابعاً خواش و تمنا نموده که در این میدان وسیع سمند همت را جولانی جدید دهند و اعظم و آخرین وصیت مولای بیهمتا را کماینخی و یلیق تنفیذ نمایند و هر اموی را فدای این مقصد جلیل کنند و مستعد ظهور و بروز تاییدات لاریبیه موعوده جمال ابهی گردند و گوی سبقت از برادران و خواهران روحانی در کل مالک و بلدان بریاينند چنان صولتی بنمایند که دشمنان دیرین که در کمینند مایوس و خیران گردند و باین وسیله اعظم واسطه ظهور یم موعود و اعلان امر حضرت مصبوت و استخلاص و استقلال شریعت رب و دود را فراهم آرند حال نیز . . . این عید موعود آخری از اعماق قلب و در نهایت اشتیاق قیام عاشقانیه یاران ستمدیده را آرزو و تمنی نمایم و ظهور علامات ظفر و نصرت این امر عظیم را مقصد و منتظریم .
هذا ما اتمناه لكم يا احياء الله في تلك العدة القصوى والموطن الاشرف الاقدس من الارتفاع الانسي

هر چند اهل بهاء در اقلیم جلیل ایران بقدر وسع و طاقت با متثال دستور مطاع مبارک اقدام و با اجرای این فریضه وجدانیه قیام نموده اند و لکن اکثر مهاجرین محترم بر اثر تصادف یا موانع عذریه و مشکلات کثیره و مخالفت و مقاومت متعصبین و اذیت و آزار مفسدین که حتی از فروش رزق یومیه بانان احتراز داشته اند همچنین بواسطه

عظیمه موفق گردند *

تقویت صندوق
ملی و محلی

راجع بتقویت صندوق ملی و
محلی مکرر بیانات مبارکه
متعالیه بوسیله محافل مقدسه

روحانیه با اطلاع یاران الهی و اماء رحمانی رسیده
و از عموم بنهایت تاکید تقاضا گردیده که باین موضوع
مهم توجه کامل معطوف و بقدر وسع و استطاعت به
بصندوق ملی و محلی خویش کمک و مساعدت لازمه
مبذول فرمایند تا اموراتیه بهمت و محاضرت
افراد غیور جامعه پیروان امر حضرت رب البریه
کاملاً بر محور مطلوب دائر و بر مدار محبوب سائر
باشد و نوایای مبارکه باحسن وجه سمت انجام
و اتمام پذیرد حال نیز برای مزید تذکر و تبصیر
قسمتی از بیانات مقدسه مبارکه زیب این اوراق
میشود و از عموم یاران الهی تمنی و استدعا میگردد
که بنظر امعان و دقت در آن بیانات متعالیه
بنگرند و دستورات مقدسه متعالیه را بکار بندند
مولای توانا ارواحنا لعظمه الفداء در لوح منیع
مبارک مورخ ۲۷ شباط ۱۹۲۳ خطاب به احبای
شرق میفرمایند : قوله الاحلی :

* و چون تقویت و تقدیم سریع و تمشیت امور محفل
که در مستقبل ایام اهمیتی جدید و مرکزیتی عظیم
خواهد یافت معلق و متوقف بر وجود اسباب ظاهره
و وسائل مادیه و وسائط مالیه است لذا افراد
احباء الله را اعانه و مساعدت محفل از وظایف
مقدسه وجدانیه محسوب باید در هر نقطه ثی از
نقاط امریه که محفل روحانی تاسیس گشته فوراً
بعد از وصول این نامه صندوق خیریه ثی تشکیل
گردد و در تحت اداره مطلقه محفل روحانی باشد
و جز با اطلاع و صوابدید اعضای محفل فلسی از
آن صرف نگردد و آنچه را اعضای محفل در ترویج
امربلیخ و تاسیس مدارس و اعانه محتاجین و طبع
و انتشار کتب و الواح و مخابره و مراسله با طراف
صلاح دانند از آن مبلغ برداشته صرف نمایند
اعانه در این سبیل از احتیاجات ضروریه امواله
است و از امور لازمه اساسیه محسوب بعهد از

تقدان مایه و عدم امکان اشتغال بکسب و کار
تاجار باوطن اصلیه معاودت نمود اند و لکن
بر حسب بیان مبارک حضرت عبدالیه جل
تائه که در سفر نامه مبارک بطبع رسیده
قوله الاحلی :

* البته بهر امر مهمی انسان قیام نمایند
بدواً مشکلاتی پیش آید و باید در نهایت متا
مقاومت کند *

احباء الهی باید در سبیل ترویج تعالیم ربانی
جميع موانع و مشکلات مقاومت نمایند و بحبل ثبات
و استقامت متوسل گردند و از هیچ مانع و رادعنی
نهراسند تا بمقصد اصلی واصل و بآنچه رضای
مقدس حق جل جلاله است نائل گردند .
چنانکه در گذشته ایام بندگان مخلص رب الانام
برای هدایت ملل و اقوام تحمل جميع مصائب و
آلام نموده جان و مال و اهل و عیال خود را
برای اجرای این منظور نبیل در سبیل رب
جلیل فدا و ایثار فرموده و بلایا و زاریا را به
جان خریداری فرمودند بقسمی که جانبازی
و فداکاری آنان مورث حیرت و شگفتی اولو
الابصار و سبب نزول عنایات لانهایه حضرت
برورد گار گشت *

اگر در اجرای این وظیفه مهمه وجدانیه
بواسطه عدم بصیرت دچار سهو و اشتباه
تیر شده باشیم باید در آتیه باصلاح و جبران
آن قیام نمائیم و از پیمودن این سبیل باز
نمانیم و از روی کمال تمعن و دقت و نقشه دقیق
و فکر در دستورات مبارکه باین امر خطییر
اقدام کنیم تا ملئکه تایید نصرت فرماید و ابواب
توفیق پیش از پیش مفتوح شود *

در خاتمه بیان مبارک مولای توانا ارواحنا
فداء که در لوح جناب ناشر نفحات الله
آقای سندری نازل شده زیب این اوراق میشود
قوله عزیزیانه :

* امر مهاجرت را بسیار اهمیت دهند و یاران را
لیلا و نهارا تشویق نمایند تا نتایج کلیه حاصل
گردد زیرا امر مهاجرت در این ایام مغناطیس
تایید الهی است امید چنانست بفتوحات

ادای حقوق فی الحقیقه اعظم وظیفه شخص بهی است زیرا آنچه در این سبیل تقدیم گردد و صرف شود راسا ترویج امر الهی است و تعزیز و تقویت آئین ربانی ولی این وظیفه وظیفه مقدسهئی است و امر است وجدانی و تکلیفی است روحانی احدی مجبور بر آن نه هر نفسی بقدر استطاعت خویش اعانه باین صندوق خیریه نماید و تقدیم محفل روحانی کند اجرش عند اللعظیم است چه که باین واسطه ترویج امر الهی نموده و اسباب تبلیغ فراهم آورد و امر تربیت را تعمیم و تقویت کرد و دایره خدمات و اقدامات محفل روحانی را اتساع داد

اگر یاران مساعدهئی در این سبیل کاملاً مقرر مستمرا ننمایند امر الله تقدم و انتشار سریع نیابد اسباب میسر نگردد و امور محوق و معطل ماند فیوضات الهیه را اسباب مادی لازم و - تاییدات غیبیه را وسائط و سائلی فعاله شرط و واجب از اعضای محفل و غیره باید کل بکمال همت باین امر اقدام نمایند و فوراً تاسیس این صندوق خیریه نمود و بعد از محفل روحانی گذارند و آنچه را تقدیم نمایند باسم ترویج امر الله باشد و تسلیم امین صندوق محفل روحانی گردد هر نفسی بقدر استطاعت و اقتدار خویش این اعانه مالی را بمحفل نماید شبههئی نیست نصرت امر الله نموده و دست گیری از ضحاک کرده و تبلیغ امر و ارتفاع کلمه الله نموده تایید الهی شامل حالش گردد و ابواب برکات بروجش مفتوح شود

و نیز مفرماید قوله عز بیان - :
 " و از فرائض محافل روحانیه تشویق نفوس در ادامه و توسعه دایره صندوق خیریه یاران - است باید امنای الهی بتبرعات مستمره خویش سرمشق افراد گردند و بقدر امکان بصندوق خیریه محفل مرکزی اقلیم خویش مجتمعاً اعانه مالی ارسال دارند از فرائض وجدانیه یاران - الهی چه از اغنیا و چه از فقراء و چه از اعضای محافل و چه غیر آن در هر بلد و قریهئی اشترا

در این امر خطیر است تکلیف بنفوس جائز نه و مطالبه شخصی مضر مصالح امریه اگر چنانچه هر فردی از افراد چه در مواقع عسرت و چه در ایام رفاهیت بقدر وسع و استطاعت خویش بطیب خاطر مستمرا مستقیماً بمحفل خصوصی علی الخصوص به محفل مرکزی اقلیم خویش اعانهئی تقدیم نماید و در این مسلك شریف مداومت کند مبالغ کلی نزد امنای رحمان جمع شود و در حین احتیاج صرف اعانه محتاجین و تاسیس مشروعات مهمه و ترویج منافع عمومی و انتشار شریعت الهیه گردد - مفرماید :

" انفقوا ما رزقتم به ان کتم فقراء یعینکم الله من فضله انه کان علی کل شیء قدیراً فسوف یجزی الله الذین آمنوا ثم انفقوا احسن الجزاء من عنده یدخلهم فی رضوان قدس قدیم "

اینست فرائض خدام ملکوت اینست اتقن واعظم وسائل اعلان امر الهی

و همچنین مفرماید قوله جل ثنائیه :
 " اعانه بصندوق خیریه مرکزی مقدم بر اعانه صندوق محلی بوده و هست چه که از عوامل مهمه بلکه یگانه محور اقدامات و تشکیلات و تاسیسات امریه است احسن و اولی آنکه عموم افراد در تمام اقلیم ایران و محافل روحانیه نقاط امریه مشترکاً بصندوق خیریه مرکزی مستمرا اعانه نمایند تا اسباب ترویج این امر عظیم در مرکز و سایر نقاط - کما ینبغی و یلیق فراهم گردد و واردات صندوق خیریه مرکزی بتمامها در تحت تصرف و اداره - مطلقه اعضای محفل روحانی مرکزی وفقه الله علی وقایه امره و اعزاز دینه و بسط تعالیمه و هدایه خلقه فی تلك الاسماء "

از بیانات مبارکه مقدسه فوق اهمیت مساعدت بصندوق ملی و محلی واضح و عیان و مستخنی از - شرح و بیان است

یاران الهی و اماء رحمانی برای امثال دستورات مطاعه مقدسه باید بمحافل مقدسه روحانیه محل خویش مراجعه و بر وفق مکاتیب متحد المال این محفل که در سنه حالیه راجع ببوده بندی مخارج

دارای صلاحیت بوده و شرائط لازم را حائز باشند سعی شود در موسسات رسمی اموی اعم از محافل و انجمن های شور روحانی و انجمنهای مختلفه و لجنات هر قدر بیشتر ممکن باشد از عناصر مختلفه منسوب بنژاد ها و غیر عضویت داشته باشد اتخاذ این رویه و رعایت کامل آن نه فقط باعث تقویت و تشویق عناصری است که تعدادشان قلیل و عده نمایندگانشان غیر کافی است بلکه عمومیت و جامعیت ائین مقدس حضرت بهاء الله را بجهانیات

اثبات و تقدیس پیروانشرا از لوث تحصیلاتی کسبه باعث حدوث چنین داری در امور داخلی و روابط خارجی ملل گردیده است محرز مینماید ."

برای امثال دستور مطاع مقدس از کلیه محافل مقدسه روحانیه محلیه متضمنی است در موقع انتخاب اعضاء محفل روحانی هرگاه تساری آراء حاصل گردد تقدم و رجحان بطرفی داده شود که نماینده اقلیت است و در سائر موارد بر حسب مدلول (دستور جامعه بهائی) هرگاه بحالت تساوی آراء تمام اعضاء محفل در انتخاب اول تعیین نشوند انتخاب یا انتخابات دیگری بعمل خواهد آمد تا تمام نه نفر اعضاء انتخاب گردند .

چون یکی از وظائف محتومه محافل مقدسه

دوم - لزوم تاسیس لجنه تعاون و تعاضد در نقاط امریه

روحانیه رسیدگی بحال فقراء و عجزا و درماندگان و بینوایان بوده و میباشد متضمنی است در هر نقطه اموی اگر محفل روحانی بنحیه فرصت انجام وظیفه مزبوره را نخواهد داشت لجنه تعاون و تعاضد ویا لجنه خدمت تاسیس شود تا بصرای بیکاران بقدر امکان شغل و کار تهیه نموده به منکوبین و مظلومین ننهد و جنسها در مواقع لازم در حدود وسع و استطاعت کمک و مساعدت ابراز و از آنان تغذ و دلجوئی فرمایند .

و همچنین همواره بوسیله ناطقین محترم و وسائل سائره یاران رحمانی محل خویش را بنگهداری از

امریه صادر شده تبرعات خویش را تسلیم فرمایند تا محافل روحانیه بار سال سهمی صندوق ملی موفق گردند و این محفل نیز بانجام وظائف مرجوعه مهمه مفتخر و نائل شود زیرا بدون مساعدت مالی احبای الهی البته امور جاریه دچار رکود خواهد بود دیگر بسته بهمت احبای عزیز الهی است .

قرارهای محفل ملی

اول - راجع بامانتخابات
در موقع تساوی آراء - استخراج و ترجمه از لوح

امنع مبارك (ظهور عدل الهی)

" Advent of Divine Justice "

... هر جامعه بهائی که دارای محفل روحانی بوده و در ظل لوای حضرت بهاء الله در آمده است باید وظیفه اول و حتمی خود بداند که اقلیت منسوب به هر دین و نژاد و طبقه و ملت را که آنجامعه را تشکیل میدهد تقویت و تشویق و حمایت نماید . این اصل بحدی خطیر و حیاتی است که در مواردی از قبیل تساوی آراء در امر انتخاب و یا تساوی صلاحیت افراد در موقع تعیین نفوس و یا هیئت هائیکه جهت انجام خدمات امریه از بین نژاد ها و ادیان و ملیت های مختلفه آن جامعه بلا تردید تقدم باید بطرفی داده شود که نماینده اقلیت است و این فقط از این لحاظ است که اقلیت تقویت و تشویق گردیده و بدان فرصتی داده شود که مصالح جامعه را ترویج نماید . از این لحاظ این اصل و نیز با توجه باین نکته که بی نهایت خیر و محبوب است که بعناصر اقلیت اجازه داده شود و در انجام خدمات امری تشریک سعی نموده و در مسئولیت آن سهیم و شریک گردند وظیفه هر جامعه بهائی اینست که امور خود را طوری ترتیب دهد که در مواردی که افراد منسوب بعناصر مختلفه اقلیت آن جامعه

بر افراد سبقت جویند و مصالح شخصیه و منافع مادیه و عزت ظاهره را فدای مصالح اموالیه و مقتضیات دین الله و احتیاجات ضروریه شریعه الله نمایند اینست مایه سعادت حقیقی یاران و علت اصلی تقدم و استقلال آئین یزدان در آن سامان *

سوم - در خصوص تعطیلات رسمی راجع بموظفین ادارات و اطفالی که بعد از ارساغیار میروند فرمودند موظفین ادارات و اطفالی که بعد از ارساغیار میروند باید کمال سعی را در تحصیل اجازه محاف شد بنمایند ولی در صورت عدم قبول و امکان مطیع و منقاد باشند *

چهارم - در خصوص خبازها و قصابها و صاحبان این قبیل مشاغل در نقاطی که مشاغل مزبور منحصر باحیاست سؤال نموده بودید که در این قسمت استثنائی در ایام محرمه متبرکه برای آنان هست یا نه فرمودند بنویس کسر حدود بهیچ وجه من الوجوه جائز نه و استثنائی مقبول و محسوب نبوده و نیست سستی و تهاون در این موارد علت ازدیاد جرئت و جسارت دشمنان اموالیه خواهد گشت * انتهای

ضمناً محضر مزید تذکر صورت ایام متبرکه نه گانه ذیلا درج میشود *

- ۱ - عید سعید نوروز ۲ - اول عید اعظم رضوان
 - ۳ - نهم عید اعظم رضوان ۴ - دوازدهم رضوان
 - ۵ - صعود جمال اقدس ابهی (هفتم نوروز)
 - ۶ - بعثت حضرت رب اعلی (۵ جمادی الاولی)
 - ۷ - شهادت حضرت رب اعلی (۲۸ شعبان)
 - ۸ - تولد حضرت رب اعلی (یوم اول محرم الحرام)
 - ۹ - تولد جمال اقدس ابهی (یوم ثانی محرم الحرام)
- در ایام متبرکه منصوصه فوق اشتغال به امور طبق بیانات مقدسه مبارکه حرام است بدیهی است شب قبل ایام محرمه مزبوره نیز مشمول همین حکم و اشتغال بکار در آن لیالی ممنوع بطوریکه از غروب آفتاب تا غروب دیگر جزو ایام متبرکه محسوب راجع باوقات انعقاد محافل و مجالس در ایام متبرکه مطالب ذیل از یکی از الواج مبارکه حضرت ولی اموالیه ارواحنا فداء خطاب باحباب

ستمیدگان و درماندگان و پریشان حالان چه با ابراز مساعدت مالی و چه با تهیه شغل و کار برای آنان در املاک و موسسات خود و یا نگاهی در منازلشان و اقدامات نظیر آن - تشویق و تحریص فرمایند *

سوم - لزوم تاسیس کتابخانه امری برای ترویج و تعمیم معارف الهی بین یاران امریه

رحمانی بسیار ضروری و لازم از محافل مقدسه روحانیه متغنی است در محل خویش این منظور را عملی فرمایند و کتابخانه امری ولو ابتدا - عده کتب قلیل باشد تاسیس کنند تا اندک اندک بهمت دوستان الهی بوسعت دائره آن بیفزاید و بنشر نفحات الله و انتشار کلمه الله و سغه اطلاعات احباء الله کمک شایان ابراز شود *

ابلاغات محفل ملی

اول - تعطیلات امریه هر چند بیانات - مقدسه مبارکه راجع

بتعطیلات امریه سابقاً با اطلاع عموم یاران الهی رسیده و لکن نظر با اهمیت موضوع مجدداً زیب این اوراق میشود و از عموم احباء الهی تقاضا میگردد بروفق آن عمل فرمایند *

(استخراج از توابع مبارکه حضرت ولی اموالیه ارواحنا لالطافه الفداء)

اول - اشتغال بامور در ایام متبرکه مخصوصه از محرمات حتمیه *

دوم - مشروعات مستقله امریه چه رسمی و چه غیر رسمی باید من دون استثناء متمسک به حد و داله و مروج اصول شریعه الله باشند - تاسیسات مستقله ادبی و علمی و تجاری بهائیان در ایران باید کل من دون استثناء تنفیذ حکم کتاب الله را نمایند و در اجرای شعائر امریه و احترام نوامیس الهیه اعلای شأن و عزت جامعه

غرب استخراج و ترجمه گردیده است ؛
۰۰۰ میل مبارک حضرت ولی امرالله چنان-
است که یاران در صورت امکان در ایام متبرکه
مواقع ذیل را برای احتفال اختیار کنند *

۱- یوم بعثت حضرت رب اعلی دو ساعت بعد
از غروب یوم ۲۲ ماه می (لیلہ پنجم جمادی
الاولی دو ساعت بعد از غروب آفتاب)
۲- یوم اول عید اعظم رضوان ساعت ۳ بعد
از ظهر *

۳- یوم شهادت حضرت رب اعلی در حدود -
ظهر *

۴- صعود جمال اقدس ابهی لیلہ هفتم
توروز سه ساعت بعد از نصف شب *

۵- صعود حضرت عبدالبهاء لیلہ ششم قوس
یک ساعت بعد از نصف شب *

در سائر ایام متبرکه در هر ساعتی که مناسبتر
باشد احتفال جائز است *

دی - ارسال عکس
شهداء و قدماء
امیر
از عموم احباء الهی و
اماء رحمانی متضمنی است
عکس شهداء و قدماء و
نفوس تاریخی امر را بواسطه این محفل بلجنه
ملی عکاسی ارسال فرمایند تا سواد آن را بر
داشته اصل را بصاحبانش مسترد دارند *

س - سهام شرکت
خیرد اراضی حول مقام
اعلی
از نفوس محترمه
که مایل و شائقند
سهام (شرکت
خیرد اراضی حول مقام اعلی) را بساحت مقدس
تقدیم نمایند متضمنی است سهام خویش را با تعیین
آمرس کامل باین محفل ارسال دارند تا بنام
صاحبان آن بساحت قدس مولای روف و مهربان
الرحمان لا لطافه الفداء تقدیم گردد *

چهارم - لجنه ملی
حفظ الصحه
اخیرا لجنه ملی حفظ
الصحه که وظائف آن -
قبلا متدرج بر عده لجنات ملیه افزوده شده
است :

۱- تالیف و تنظیم رسائل و جزوات مختلفه حاوی
نکات لازمه و اندرزها و نصائح موئمنه صحی
که اطلاع بر آن برای افراد جامعه بهائی در
ایران لازم و ضروری باشد با اتکاء با حکام و
نصوص مبارکه و استشهاد از بیانات مقدسه -
متعالیه در حدود امکان بدیهی است لحن
مندرجات جزوات مزبوره بقدر مقدور ساده و -
عموم فهم خواهد بود که احباء الهی در قراء
وقصبات نیز قادر بفهم و عمل بوده باشند *

۲- اصدار دستورات صحی در مواقع لازمه و ابلاغ
آن بیاران الهی بوسیله محافل مقدسه روحا
۳- خواستن صورت اسماء اطباء بهائی از قسمت
های امیری *

۴- تشویق اطباء بهائی بمهاجرت بقراء و قصبات
و بلادیکه احتیاج بمهاجر داشته باشد و -
تفہیم اهمیت قیام آنان باین امر مهم حیاتی
و تاثیراتی که از وجود ایشان در مراکز جدید
التاسیس امری حاصل تواند گردید *

۵- تشویق اطباء بهائی بمسافرت های موقت بنقا
مجاوره موطن خویش برای معالجه مرضی از
بهائی و غیر بهائی و دادن دستورات صحی
بدیهی است محافل مقدسه روحانیه مربوطه
باید در حدود امکان برای اجرای منظور
مزبور بایشان کمک نمایند *

ترجمه حیات امقاله
المنجذبہ مسیس -
(نقل و ترجمه از جلد
ششم کتاب عالم بهائی)
مکسول

در تاریخ ۲۴ ژانویه ۱۹۴۰ مسیس می ایس
مکسول بامبارک باکشتی برزیل از نیویورک عازم -
امریکای جنوبی گردید قلوب یاران مشتاق همه
بسوی او متوجه و موفقیت در خشانش را در سر
زمین وسیعی که هنوز بدست جنود امرالله فتح
نشده بود ارزومند بودند اما مرگ نابینگام او در
مدتی کمتر از شش هفته در رسید و در اول ماه
مارس این نجم دری افق ابهی در بوئنوس ایروس
پایتخت آرژانتین از جهان ناسوت بحال ملکوت
صعود و قلوب دوستان و یاران را در شرق و -

غرب عالم افسرده و مقالم نمود .

حضرت ولی امرالله موقع صعود آن ورقه موقنه در باره ایشان تلگراف ذیل را بیاران امریک مخابره فرمودند :

" کینز محبوب عبدالبهاء خادمه شهیره می مکسول بملکوت ابهی صعود نمود .

حیات ناسوتی او که بسی ابرومند و پر حادثه و بینهایت فرخنده بود خاتمه یافت بعلقه مقدسی که خدمات باهره او ایجاد نمود افتخار مقام شهادت مزید میگردد و تاج عزت دوگانه نصیب او گردیده است نقشه هفت ساله و مخصوصا اقدامات اموی در امریکای جنوبی بواسطه فداکاری عظیم این نفس مقدس کسب قوت و تایید جدید نموده استقرار مرقده تاریخی آن موقنه بالله در اقصی نقطه جنوبی قلمرو امر الهی سبب عزت و مباهات آن سامان گردیده و برنمود و موفقیت جند مظفر حضرت بهاءالله دلیل بارز و شاهد قاطعی محسوب میشود "

می مکسول که قبل از ازدواج می بولسز نامیده میشد در تاریخ ۱۸۷۰ در انگلوود واقع در نیوجرسی متولد و پدرش موسوم بجان بسی بولز و مادرش مری مارتین بولز امریکائی بوده اند دوره طفولیت خود را در انگلوود یعنی محل اقامت پدر بزرگش که از بانکداران بزرگ نیویورک بود صرف نموده و دارای یک برادر بود موسوم به راندولف که او را بسیار گرامی میداشت و ایمان این برادر عزیز با هم مبارک بسیار موجب خوشنودی او میبود ولی راندولف هم در سنه ۱۹۲۶ بملکوت ابهی صعود نمود .

می بولز از صغر سن دارای مواهب خدادادی و آراسته بحسن اخلاق و فطرت پاک و طالب حقیقت بود بعد از طی چهاردهمین مرحله زندگانی خود تحصیلات رسمی مدرسه را ترک نمود و در این باب توضیحا اظهار میداشته که محققا برای کسب معرفت طریقی سوای طرق معموله موجود است این نفس مقدس به زبان و ادبیات فرانسه علاقه مفرط داشت و در زمان

طفولیت دونوبت بخاک فرانسه مسافرت کرد و متعاقب آن برای خاطر برادرش راندولف که قصد تحصیل صنعت معماری در مدرسه صنایع مستظرفه پاریس داشت به آنجا رهسپار و مدت یازده سال در خاک فرانسه اقامت گزید . در سال ۱۸۹۸ افق زندگی او بنور ایمان روشن و بشناسائی حق موفق گردید می بولز در سن ۱۱ سالگی بمعهد نوری در خواب مشاهده نمود که از شدت تابش آن مدت یکروز چشمانش نابینا بود بعدا خوابی دیگر دید که فرشتگان او را در فضای لایتناهی سیر و حرکت میدهند و همینکه بروشنائی میرسد کره زمین را بنظر میآورد که خاتم هائی بر روی آن نقش و کلمه ای بر سطح آن مرتسم است که فقط حروف (ب) و (ه) آن کلمه را میتوان خواند در همان حال احساس میکند که این حروف زندگانی او را تغییر خواهند داد در رویای دیگر حضرت مولی الوری با ابهت و جلال در لباس شرقی باو نمودار میشوند و می بولز تصور مینماید که حضرت مسیح را بخواب دیده ولی بعد از ه سال که موفق بزیمارت هیکل مبارک میگردد معنی خواب را متلفت میشود .

در تاریخ نوامبر ۱۸۹۸ میسیس (فوب هرت) یکی از دوستان فامیلی می بولز با جمعی از مسافین امریکائی بمنزل او در (که دورسسه - فرانسه) که مادر و خواهر می بولز و خود او و دو خواهرزاده میسیس هرت در آنجا مقیم بودند وارد میشوند . مسافین مزبور عازم ارض اقدس بودند و لکن مقصد خویش را مکنتم میداشتند تا اینکه می بولز در وجود یکی از مسافین مزبور موسوم به (لوداگت سینگر) احساس اشتعال فوق العاده نموده در صدد کنجکاوی بر میآید و بالاخره موضوع را متلفت شده خود را بدسته مزبور ملحق میسازد و بهمراهی آنان بسوی کوی جانان میشتابد . این هیئت اولین جمعیت امریکائی بود که عزیمت بارض اقدس نموده و چون ان اوقات مصادف با ایام سجن حضرت عبدالبهاء بود مسافین مزبور بدستجات کوچک تقسیم و خود را بحیفا رسانید .

در ۱۲ فوریه ۱۸۹۹ بزیارت هیکل مبارک موفق
 میگردند. می بولز شرح اولین برخورد خود را
 با حضرت عبدالبهاء باین تفصیل بیان مینماید:
 از اولین برخوردها خود نه اندوه نه سرور
 و نه هیچ چیز که بتوانم اسمی بر آن نهیم بخاطر
 تنی آرام ناگهان خود را در مکانی بس رفیع
 مشاهده نمودم. گوئی روح بروج الهی تماس
 داشت و قوه ای بس پاک و مقدس و عظیم بروج خود
 ستولی گردید. ۰۰ وقتی که هیکل مبارک بر
 خاستند و ناگهان ما را ترك فرمودند آغاز حیات
 تنی در ما پدیدار گردید ولی حمد خدا را
 که از آن پس دیگر هیچگاه بزندگی این عالم
 توجه نداشتیم هر قدر بهیكل مطهرش نظر
 میکردم میدیدم که بهیچوجه درك مقام اورانی
 نیامد بلکه همینقدر ممکن بود که خود را بوسیله
 عشق با و اطاعت و اجرای او امر مبارکش بجمال
 بیانش نزدیکتر نمایم وقتی که به بیانات خود
 خاتمه دادند ما را بکمال مهربانی بخارج راه
 نمودند. ۰۰۰ و تا يك آن مانند این بود که در
 حال هلاکت هستیم. ۰۰۰ تا اینکه بعد از آن
 جا حرکت نمودیم ناگهان روح مبارکش بر ما
 نازل و در این حین قوت و آرامش فوق العاده
 ما را احاطه نمود بارئ عزیمت ما از حضور محبوب در
 سخن پر جلالش باین نیت بود که کمر بخدمتش
 بنیم و امرش را منتشر کنیم و حقیقتش را گوشزد
 عالمیان نمایم و کلامی که فرموده بود مصداق
 حاصل نمود و مضمون آن این بود (موقع
 مفارقت ما رسیده است لکن این مفارقت عفا رقت
 جستانی است اما روحا اتحاد ابدی داریم)
 باری این کلمات و عبارات تاثیر بسزائی
 در آن نفس مقدس نمود و در وجود او چنان
 شعلاتی برافروخت که فروغش چشمها را خیره
 نمود و خدا حضرت مولی الوری در حق او ذکر
 صفات روحانی و الهی فرموده وی را اهل ملکوت
 نامیدند بر حسب روایت جناب علی قلیخان
 که در سال ۱۹۰۰ میلادی تشریف حاصل نموده
 بود هر موقع که ذکر زائرین امریکا در محضر

مبارک بمیان میامد هیكل مبارک توصیف کمالات
 معنوی و احساسات روحانی می بولز را در پین
 اماء الرحمن امریکا میفرمودند و در ذکر مقام او
 باین بیان ناطق (او " می بولز " قبلا در
 حالتی دیگر و اکنون در کیفیت دیگری است ناسوتی
 بزرگ روحانی گردید زمینی بود آسمانی شد از
 عالم تراب بود بجهان رب الارباب راه یافت (ترجمه)
 در مراجعت بپاریس می بولز یک و تنهابه
 تبشیر و تبلیغ امر مبارک در آن دیار مشغول شد
 و با وجود ضعف مزاج از سال ۱۸۹۹ الی
 ۱۹۰۲ موفق بتبلیغ عده ئی از نفوس مهمه گردید
 که از جمله (اوت مکی) و (چارلز میسن رمی)
 و (هربرت هاپر) و (لورابارنی) و (اگس
 الکساندر) و (مستر ساندرسن) و (مسیو
 دریفوس اولین بهائی فرانسوی) بودند و در
 سنوات ۱۹۰۱ و ۱۹۰۲ جمعیت بهائی آنجا
 بعده بین ۲۵ و ۳۰ نفر بالغ و مبلغ و راهنمای
 آنان شخص می بولز بود نکته قابل توجه اینکه
 این موفقیت شایان در اثر معلومات فراوان امری
 آنوجود تابان نسه بلکه بوسیله دانستن چند فقره
 مناجات و آیات کلمات مکنونه و تعلق قلبی و
 وجدانی به محبوب عالمیان بوده که قوه بیان
 و تبیان بوی بخشوده چنانکه هر تشنه لبی را از
 جام حیات ابدی نوشاندی و بسر منزل مراد
 رساندی.

می بولز در تاریخ ۸ می ۱۹۰۲ در لندن
 با ویلیام سارز لند مکسول که از يك فامیل قدیمی
 اسکاتلندی و کانادائی مقیم مونترال بود ازدواج
 نمود مستر مکسول یکی از محصلین مدرسه
 صنایع مستظرفه پاریس بود که می بولز را بوسیله
 برادرش در اکتبر ۱۸۹۹ ملاقات کرده بود.
 در سن ۳۲ سالگی می مکسول با اشتها
 فوق العاده با امریکا مراجعت نمود حضرت عبد
 البهاء در توقیع منیع مبارک خویش بافتخار این
 نفس جلیل چنین مرقم داشته اند: ترجمه
 "تو ذهاب خالص بودی که در نار امتحان گشتی
 کمر خود را محکم کن و پشت خود را قوی نما"

وبقوت قلب خویش بانتشار کلمه الهی در آن -
خطه بعید پرواز کن "

در سال ۱۹۰۶ مدت شش روز با شوهر خود بحضور حضرت عبدالبهاء و ورقات مبارکه مشرف بود. بعدا با قلبی مشتعل و روحی مستبشر وارد مونترال گردیده در آنجا نیکو صیت امرالله را بلند نمود و رفته رفته مونترال مرکز رفت و آمد و تجمع مسافرن و زائرین گردید و کسانی که از آن طریق بعزم زیارت عبور میکردند عموما مهمان مستر و میسز مکسول بودند.

می مکسول بهر جا مسافرت میکرد موید بیایدات موفوره حضرت عبدالبهاء و قلبش بحد مملو از جاذبه و محبت هیکل مبارک بود که خود نیز مغناطیس محبت گردیده قلوب نفوس را بسوی حق متوجه میکرد.

فرمایشات حضرت ابوالفضائل در روح متعالی میسز مکسول که او را معلم خویش میخواند تاثیر بسزائی نموده بود بنوعی که ذکر ایشان را فراموش ننمود و در یکی از نامه های مورخه ۱۹۱۵ خود مینویسد حضرت ابوالفضائل اصول روحانی ذیل را که مربوط بطرز تبلیغ امرالله است نوعی بمن آموخت و قلبم را بآن مانوس کرد که در اثر آن بکلی تغییر کرد فرمود (بایستی ابتدا بقلب مبتدی توجه نمود و در صد دایقاظ آن برآمد و همینکه انعکاسی دیده شد در آن بذراشنائی نمود همانگونه که تابش آفتاب در فصل ربیع خاک را مستعد میکند و در غیر این صورت قابل پرواز شدن تخم نخواهد بود همان طور نیز باید اراضی قلوب را با گرمی محبت حاضر و مستعد نمود و سنگ و خاشاک آنرا بر چید یعنی با مهربانی تمام اهتمام در رفع تعصبات نمود و با ارائه افکار وسیعتر و عمیقتر ریشه تعصبات را برگرد و هرگز با افکار و اظهارات اشخاص مخالفت ننمود بلکه طریقی زبنده تری را بآنها نمود تا از آن طریق به زندگی بنگرند) (بقیه دارد)

اول آمریکا

(استخراج و ترجمه از مجله)

اخبار امری آمریکا شماره (۱۷۱)

تماشای مشرق الانکار | در طی هشت ماه بهائی در ویلمت - | اول سال ۱۹۴۴ تعداد

مختلفه عالم بتماشای معبد عظیم بهائی در ویلمت آمده اند با در نظر گرفتن اشکالات حمل و نقل و مسافرت این عده بسی قابل ملاحظه میباشد.

اقدامات لجنه ملی | بقرار گزارش لجنه ملی رادیو در باب - | رادیو از ۱۲ می الی ۲۸ جشنهای صد ساله | می هشتاد و چهار نطق بوسیله رادیو در باب جشن قرن اول بهائی و مقصود ورام آن ادا شده و جمعا بیست - ساعت صرف ادای نطقها شده است عده مستمعین تقریبا بیست ملیون بوده است.

ترجمه قسمتی از توفیق منیع مبارک مورخه اول ژانویه سنه ۱۹۴۵.

حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه از اینکس یاران آمریکا مایلند در تکمیل بنای مقام اعلی شرکت نمایند اظهار تقدیر میفرمایند نقشه و تمهیدات اولیه اکنون در شرف تهیه است و هیکل مبارک این قسمت را با اختیار یاران گذارده اند که بهر نحوی و هر میزانی که بخواهند در این مشروع مقدس اشتراک جویند)

دوم - استرالیا

اخبار امری شماره

۳۴ مورخه ژانویه

۱۹۴۵ حاوی مژده روحبخش تسجیل رسمی محفل مقدس روحانی ملی بهائیان استرالیا و نیوزیلاند و همچنین ثبت حظیره القدس بنام آن محفل مقدس است.

(استخراج وترجمه از
بهائی ژورنال) شماره

"Baha'i Journal"

(۴۹)

چهار نفر از بهائیان در بلك بزن -

"Black Burn"

جمع شده و تشکیل يك جمعیت بهائی داده اند
و خود هفته یکدیگر ملاقات مینمایند و امید
وارند که عده آنها روز بروز ازدیاد یابد .

"Liverpool"

در لیورپول

جلساتی تشکیل داده شده و در نظر دارند مرتباً
این جلسات را ادامه دهند برای کمک باین
جلسات مستر شوگر از منچستر حاضر شده است
و امیدوارند که در اتیه ناظرین دیگری را نیز
احضار دارند .

"Coventry"

در کاونتری

يك جلسه تشکیل دادند و میسیر فرابی

" Mrs. Ferraby "

تلفاتی ایراد کرده است در این جلسه شش نفر
بهایائی نیز حضور داشته اند .

چندی قبل از طرف محفل ملی کتابخانه کوچکی
تأسیس شد و بمراجعه ای که مایل به کسب اطلاعات
امری بودند جزوات و کتبی داده میشد این
کتابخانه حال توسعه پیدا نموده و امیدوار است
در اتیه يك کتابخانه بزرگ ملی تبدیل گردد .

چهارم - هندوستان

(استخراج از نامه

جناب احمد صمیمی)

چون بعضی از دوستان عزیز ایران مایل اند از
سفرات اخیر این بند باقلیم وسیع هندوستان
ملاقات یاران در آن سامان اطلاع حاصل نمایند
بمحرران مختصر مبادرت مینمایم مخصوصاً از
لحاظ آنکه یاران عزیز هندوستان عراق تقاضا
نموده مراتب تحیت و تکبیر آنان را بدوستان
و احبای جانفشان ایران ابلاغ دارم .

مرا واسطه اسفند ماه گذشته (۱۳۲۳) از -

طریق مشهد ببلوچستان و هندوستان عزیمت

۴۲

نمودم . در مشهد و زاهدان بملاقات یاران عزیز
نایل و مسرور شدم . در شهر کوئته مرکز بلوچستان
مدت یک هفته اقامت نمودم یاران عزیز آنجا را که
فی الحقیقه جوهر محبت و خلوص بودند زیارت نمودم
و از محضر محترمشان کسب مسرت و فیض موفور نمودم
در آن اوقات خوشبختانه بملاقات جناب دکتر
امین الله مصباح و خانم محترمه ایشان که آیت
فداکاری و جانفشانی هستند و تازگی از افغانستان
مراجعت فرموده بودند نایل شدم .

احبای کوئته با مساعدت محفل مقدس روحانی
ملی هندوستان و برما موفق بتهیه محلی جهت
حظیره القدس گردیده اند . در روز عید نوروز
جلسه عمومی مرکب از دوستان بهائی و غیر
بهائی در مرکز امری تشکیل و این عبد نیز بیاناتی
بمناسبت موقع و حاضرین در باب امر مبارک نمودم
بعد از ختم جلسه سئوالات مختلفه از طرف
بعضی از دوستان غیر بهائی بعمل آمد و جوابهای
لازم داده شد .

در مدت اقامت خود فرصت یافته زیارت رمس
متصاعد الی الله جناب نیک آئین نایل شدم .
سپس بلا محور پایتخت ایالت پنجاب حرکت کردم
در آنجا نیز علاوه بر زیارت دوستان بر حسب
راهنمایی و صلاح حدید آنان در طالار شهرداری
شهر جدید لاهور نطق در خصوص (پیام جدید
صلح) ادا کردم و متجاوز از یکصد نفر از نفوس
مهمه و طالبین حقیقت حضور داشتند . بعد از
ادای نطق از طرف بعضی از حضار سئوالاتی
در باب امر مبارک شده و جوابهای داده شد
شرح آن جلسه در یکی از روزنامه های لاهور موسوم
به (تریبون Tribune) درج گردید .

بعد بشهر دہلی حرکت کردم . در آنجا نیز
زیارت احبای الهی و حضور در حظیره القدس
نایل شدم . اتفاقاً در آنوقت جلسات محفل
مقدس روحانی ملی در دہلی تشکیل میگردد
نقشه اولیه این عبد در مسافرت به هندوستان
این بود که مدت یکماه ونیم الی دو ماه در آنکشور
اقامت نمودم احبای الهی را در بعضی بلاد

۶ - جناب حسام الله کثیری فرزند جناب شکرالله کثیری در عربخیل مازندران
 ۷ - جناب بهاء الدین مانی مهاجر قوچان از جوانان خدمت و جانفشان در تاریخ ۶ / ۶ / ۲۰۴ - موقع مسافرت بمشهد براثتصادف اتومبیل بملکوت ابهی صعود فرموده اند

در نقاط ذیل اخیرا -
کتابخانه های امری کتابخانه امری تاء سیس گردیده است

- ۱ - (کتابخانه بدیع) - در حدیقه الرحمن
 - ۲ - (کتابخانه عدل) - در شهر میرزا
 - ۳ - (کتابخانه ذبیح) - در کشگر کلابدل بکتابخانه (باب الباب) گردیده است .
- از حضرات احبباء الهی متنی است در صورت امکان بوسیله محافل مقدسه روحانیه محل خویش بکتابخانه های امری کتب مفیده لازمه ارسال و بدینوسیله خدمتی عظیم بنشر مصارف الهی ابراز فرمایند .

اعلانات

۱ - دوطعرا توفیق منیع مبارک یکی بنام امه الله خانم خانما قرینه جناب آقا احسان الله احمدیه علیهمابهاء الله و دیگری بنام جناب آقا سید باقر انوری علیه بهاء الله در دفترا این محفل موجود متنی است صاحبان آن برای دریافت مراجعه فرمایند

۲ - الواح مبارکه و سایای حضرت عبدالبهاء

بلجنه ملی نشریات امری تعداد هزار و پنجاه از الواح مقدسه و سایات تهیه نموده و مبلغ دوازده ریال هدیه آن سفرکریم است . هرکس از احبباء الهی که مبلغ مزبور را بلجنه نشریات امری بابتحصیل آدرس - صحیح ایصال فرماید يك نسخه در یافت خواهد نمود .

۳ - قیمت هر شماره از مجله (اخبار امری) پنج ریال و وجه اشتراك سالیانه ۶۰ و شش ماهه ۳۰ - ریال است . احبباء رجعه اشتراك را توسط شرکت نونمالان بلجنه ملی نشریات امری ایصال فرمایند . محفل روحانی ملی بهائیان ایران

ملاقات نموده سپس باکسب اجازه از حضور مبارک باعتبار مقدسه تشرف حاصل و بعد برای رفیع خستگی از کارهای اداری بمصرو سوریه مسافرت نمایم . (بقیه دارد)

=====

ورود جناب منی مهته و جناب حسن صفاء

علیهما بهاء الله بطهران

۱ - جناب منی مهته عضو محترم محفل مقدس روحانی ملی بهائیان هند و بر ما فرزند ارجمند سرجمی مهته که در سنین اخیر به ما مبارک اقبال نموده اند در تاریخ دوم شهرالکمال سده حالیه بطهران وارد و صبح یوم جمعه سوم شهرالکمال در خطبیره القدس با حضور نمایندگان این محفل و محفل مقدس روحانی طهران با جمعی از یاران ملاقات نموده و عصر همان روز عده ای دیگر از دوستان در طالار مجمع جوانان بزیارت ایشان نائل گردیده اند

۲ - جناب حسن صفاء عضو محترم محفل مقدس روحانی ملی بهائیان عراق به همراهی قرینه محترمه بطهران وارد و احبباء الهی در محافل و مجالس عمومی و خصوصی از حضور ایشان بهره مند و مستفیض بوده اند

متاعدين الى الله بر حسب اطلاعات واسله نفوس ذیل اخیرا بملکوت -

ابهی صعود فرموده اند :

۱ - جناب فضل الله اورنگی مشهور بنظام السالك از نسوین بمائله مبارکه در تاکنون در این شهر جلیل در مدت حیات همواره بخدمات امریه مؤید و موفق بوده اند .

۲ - امه الله بانو دانه میثاقی صبیحه مستشید نفسی سبیل الله جناب حاج شیخ کاظم میثاقی بنابسی در مراغه

۳ - امه الله فخری خانم قره گزلودر همدان

۴ - جناب جواد هائی در نجف آباد

۵ - جناب آقا خداکریم خسروی بروجنی در اصفهان این د و نفس مقدس سنین متعادی عضویت محفل مقدس روحانی نجف آباد و بروجن را حائز و در خدمات امریه ساعی و جاهد بوده اند

نفسی از احبای اگر بخواد در امور سیاسیه
در منزل خویش یا محفل دیگران مذاکره نمی بکند
اول بهتر است که نسبت خود را از این امر قطع
نماید و جمیع بدانند که تعلق باین امر ندارد
خود میداند والا عاقبت سبب مضرت عمومی
گردد ...

حضرت عبدالبهاء

اخبار امری

(نشریه محفل روحانی ملی بهائیان ایران)

شماره پنجم و ششم	شهر الاسماء - شهر المشیه	شهریور - مهر
۱۰۲		۱۳۲۴

قلم اعلی میفرماید :

اتقوا الله یا ایها الملوك ولا تتجاوزوا عن حدود الله ثم اتبعوا بما امرتم به فی الكتاب ولا تكونن من المتجاوزین * ایاکم ان لا تظلموا علی احد قدر خردل و اسلكوا سبیل العدل و انه لسبیل مستقیم ثم اصلحوا ذات بینکم و قللوا فی الحسا کر لیل مصارفکم و تكونن من المستریحین * و ان ترتفعوا الاختلاف بینکم لن تحتاجوا الی کثرة الجیوش الا علی قدر الذی تحسرون بها بلدانکم و ممالکم اتقوا الله و لا تسرفوا فی شیء و لا تكونن من المسرِفین * و علمنا بانکم تردادون مصارفکم فی کلّ یوم و تحملونها علی الرعیة و هذا فوق طاقتهم و ان هذا لظلم عظیم * ... لا تطمننوا بقدرتکم و عسا کرکم و خزائنکم فاطمننوا بالله بارئکم ثم استنصروا به فی امرکم و ما النصر الا من عنده ینصر من شاء بجنود السموات و الارضین * ثم اعلما بان

الفقراء امانات الله بینکم ایاکم ان لا تخانوا فی اماناته و لا تظلموهم و لا تكونن من الخائنین * سئسئلون عن امانته فی یوم الذی تنصب فیہ میزان العدل و یعطی کلّ ذی حقّ حقه و یوزن فیہ کلّ الاعمال من کلّ غنی و فقیر * و ان لن تستنصحو بها انصحناکم فی هذا الكتاب بلسان بدع مبین یاخذکم العذاب من کلّ الجهات و یأتیکم الله بعدله اذا لا تقدرون ان تقوموا معه و تكونن من الحاجزین * (۱)
مفهم بیانات مقدسه متعالیه قریب باین مضمون است :

ای سلاطین عالم از خدا بترسید و از احکام الهی تجاوز ننمائید و براحدی بقدر دانسته خردلی ظلم نکنید و در سبیل عدالت مشی و سلوک نمائید و اصلاح ذات بین نموده از لشکر و سپاه

خود بگانهید تا از مصارف شما بگاهد و راحت و آسوده گردید و اگر از بین خود اختلاف را مرتفع سازید بکثرت عساکر احتیاج نخواهید یافت مگر بقدری که بحلاد و ممالک شما محفوظ ماند از خدا بترسید و از مسرفین نباشید نزد حق مکشوف و واضح است که شما بر مصارفتان هر روز میافزائید و بر رعیت تحمیل مینمائید و این فوق طاقت ایشان است و ظلمی است عظیم بقدرت و عساکر و خزائناتان مطمئن نباشید بلکه بخدائیکه خالق شماست اطمینان یابید و در امور خود از او نصرت جوئید زیرا نصرتی نیست مگر از نزد او هر که را بخوهد بجنود آسمان و زمین یاری میفرماید .

پس بدانید که فقراً امانت حقد بین شما مبادا در امانت او خیانت ننمائید و در حق ایشان ستم روا دارید عنقریب مسئول امانت الهی خواہید شد در روزی که میزان عدل بر پا شود و بهر ذیحق حقش عطا گردد و جمیع اعمال نفوس از غنی و فقیر در آن میزان سنجیده شود و اگر بنصایحی که در این کتاب بلسان بدع مبین بیان گردیده مستنصح نشوید و پند نگیرید عذاب از جمیع جهات شما را اخذ خواهد نمود در آنوقت قدرت مقاومت با عدل الهی رانداشته ناتوان و عاجز خواهید شد .

در لوح مبارک "مقصود" این بیانات عالیہ از سماء مشیت حی و دود نازل قوله عز کبرئائے :

"لابد بر این است مجمع بزرگی در ارض بر پا شود و ملوک و سلاطین در آن مجمع مفروضه در صلح اکبر نمایند و ان اینست که دول عظیمه برای آسایش عالم بصلح محکم متشبت شوند و اگر ملکی بر ملکی بر خیزد جمیع متفقا بر منع قیام نمایند در این صورت عالم محتاج بمهمات عمده حریبه و صفوف عسکریه نبوده و نیست الا علی قدر یحفظون به ممالکهم و بلدانهم اینست سبب آسایش دولت و رعیت و مملکت . . ."

حضرت عبدالبهاء جل ثنائہ میفرمایند قوله الاحلی :

"... بلی تمدن حقیقی وقتی در قطب عالم علم افسارزد که چند ملوک بزرگوار بلند همت

چون آفتاب رخشنده عالم غیرت و حمیت بجهت خیریت و سعادت عموم بشر بعضی ثابت و رأی راسخ قدم پیش نهاده مسئلہ صلح عمومی را در میدان مشورت گذارند و بجمیع وسائل و وسائے تشبث نموده عقد انجمن دول عالم نمایند و یک معاهده قویه و میثاق و شروط محکمہ ثابت تاسیس نمایند و اعلان نموده باتفاق عموم هیئت بشریت موکد فرمایند این امر اتم اقوم را که فی الحقیقه سبب آسایش آفرینش است کل سگان ارض مقدس شمرده جمیع قوای عالم متوجه ثبوت و بقای این عهد اعظم باشند و در این معاهده عمومیہ تعیین و تحدید حدود و ثغور هر دولتی گردد و توضیح روش و حرکت هر حکومتی شود و جمیع معاهدات و مناسبات دولیہ و روابط و ضوابط ما بین هیئت حکومتیہ بشریہ مقرر و معین گردد و کذلک قوه حریبه هر حکومتی بحدی معلوم مخصوص شود چه اگر تدارکات محاربه و قوه عسکریه دولتی از دیار دیار بد سبب توهم دول سائر گردد و باری اصل مبنای این عهد قوم را بر آن قرار دهند که اگر دولتی از دول من بعد شرعی از شروط رافسخ نماید کل دول عالم بر اضمحلال او قیام نمایند بلکه هیئت بشریہ بکمال قوت بر تدبیر انحکومت بر خیزد اگر جسم مریض عالم باین داروی اعظم موفق گردد البته اعتدال کلی کسب نموده بسه شفا ی باقی دائمی فائز گردد . . . و بعضی اشخاص که از همم کلیه عالم انسان بیخبرند این امر را بسیار مشکل بلکه محال و منتع شمرند -

نچنانست بلکه از فضل پروردگار و عنایت مقربین درگاه افریدگار و همت بیهمتای نفوس کامله ماہرہ و افکار و آراء فرائد زمانہ هیچ امری در وجود منتع و محال نبود و نیست همت غیرت غیرت لازم است چه بسیار امور که درازمنہ سابقہ از مقولہ متنتعات شمرده میشد که ابدا عقول تصور وقوع آنرا نمینمود حال ملاحظه مینمائیم که بسیار سهل و آسان گشته و این امر اعظم اقوم که فی الحقیقه آفتاب انور جهان مدنیت و سبب فوز و فلاح و راحت و نجاح کل است از چه جهت منتع و محال فرض شود و لابد بر این است که عاقبت شاهد این سعادت در انجمن عالم جلوہ گر گردد چه که آلات و ادوات

BELOVED STAUNCH HIGH MINDED NOBLE
SOUL SIYYID MUSTAFA STOP LONG RE-
CORD HIS SUPERB SERVICES BOTH
TEACHING ADMINISTRATIVE FIELDS
SHED LUSTRE ON BOTH HEROIC AND
FORMATIVE AGES BAHAI DISPEN-
SATION STOP HIS MAGNIFICENT
ACHIEVEMENTS FULLY ENTITLE HIM
JOIN RANKS HANDS CAUSE BAHAI U'LLA
STOP HIS RESTING PLACE SHOULD BE
REGARDED FOREMOST SHRINE COMMUNIT
BURMESE BELIEVERS STOP ADVISE
HOLDING MEMORIAL GATHERINGS
THROUGHOUT INDIA HONOUR HIS
IMPERISHABLE MEMORY STOP URGE
INDIAN BURMESE BAHAI'S PARTICIPAT
CONSTRUCTION TOMB STOP CABLING
THREE HUNDRED POUNDS MY PERSONAL
CONTRIBUTION SO PRAISEWORTHY
PURPOSE. SHOGHI RABBANI

حریه بر این منوال بدرجه ئی رسد که حرب
بدرجه مالایطاق هیئت بشریه واصل گردد (۱)
در یکی از الواح اکسیره راجع ببلوغ عالم
جمال قدم جل شانه الاعظم باین بیان مقدس
ناطق قوله عزکیرائیه :

... ظهور این کنز مستور بین هولاء علامت
بلوغ دنیا است و بعد از بلوغ خطر عظیم و بسای
عقیم عالم و اهل آنرا از عقب مگر آنکه کل در رهوان
الهی وارد شوند ... "انتهی

اول - تلغراف منیع

مبارک مورخ شانزدهم

سپتامبر سنه ۱۹۴۵ -

که بافتخار اینمحفصل

تلغرافات منیع

مبارک

صادر گردیده است :

"TRAVELLERS INTENDING EUROPE

MAY PROCEED SYRIA SHOULD AVOID

PALESTINE DEEPLY GRIEVE PASS-

ING NIZAMUL-MAMALIK ASSURE

FRIENDS RELATIVES FERVENT PRAY-

ERS. SHOGHI RABBANI"

مضمون بیان مبارک بنارسی چنین است :

(۱) مسافرینی که قصد اروپا دارند میتوانند به
سوریه بروند ولی از فلسطین احتراز نمایند
از صعود نظام الممالک تاثر عمیق حاصل به
دوستان و منتسبین ادعیه با حرارت مرا اطمینان
دهید شوقی ربانی)

پس از وصول تلغراف منیع مبارک بمحفصل
مقدس روحانی طهران شیدالله ارکانه مرقوم
شد که مجلس تذکر شایسته بیاد آنخادم مخلص
برازنده عتبه مقدسه در طهران تشکیل فرمایند .
دوم - تلغراف منیع مبارک مورخ چهاردهم جولای
سنه ۱۹۴۵ که بافتخار محفل مقدس روحانی ملی
بهائیان هند و برما صادر گردیده است :

"HEARTS GRIEFSTRICKEN PASSING

SUPREME CONCOURSE DISTINGUISHED

PEOPLES FAITH BAHAI U'LLAH DEAR

۱ - رساله مبارکه "مدنیه"

مضمون بیان مبارک بفارسی چنین است :

(۱) از صعود خادم برازنده محبوب امر حضرت
بهاء الله سید مصطفی بملکوت اعلی قلوب متالم
آن متصاعدالی الله ثابت بر امر و دارای فکری
بلند و روحی پرفتح بود - سابقه ممتد خدمات
با همه اش هم در میدان تبلیغ و هم در خدمات -
اداری در دوره اولیه و دوره تشکیلاتی -
بهائی ساطع و لامع بیاس خدمات جلیله اش
رتبه ایادی امر حضرت بهاء الله را حائز و رمش
در راس مواقد جامعه یاران برما محسوب مقتضی
است محافل تذکری بیاد خدمات ابدیش
در سراسر هند و برما برپا گردد بیاران غنید
و برما تاکید میشود که بیارای مرقوم آن

متصاعد الى الله شركت نمایند تلگرافا سیصد
لیره برای شرکت در این منظور جلیل ارسال
میگردد .

شوقی ربانی)

علوم مقام و سمو مرتبت و مراتب روحانیت جناب
آقا سید مصطفی رومی از مبلغین و خادمین
نازنین امر حضرت رب العالمین که سنین متمادیه
در اقالیم شاسعه هندوستان به تبلیغ
و تشریف آئین یزدان اشتغال داشته و اخیرا
بدست اهالی (تین گانگون)

در برمه مقتول گردیده و ملکوت ابهی عروج فرموده
اند از غنایات لانهایه و الطاف جلیله مولای
مقتدر و توانا ارواحنا لعواطفه الفداء چون روز
واضح و روشن و هویدا است بمحض وصول نامه
متحد المال محفل مقدس روحانی ملی بهائیان
هند و برما مکتوبی تسلیت آمیز خطاب بآن محفل
مقدس بالوکاله از یاران عزیز ایران مرقوم و مبلغ
نمود و پنج لیره تلگرافیا برای شرکت در ساختمان
مرقد شریف آن نفس نفیس و شخص شخیص مرسول
شد از حق جل جلاله سائل و آلمیم که خون پاک
آن نفس جلیل که بدست ظلم و طغیان غافلین
و محجوبین از آئین حضرت رب العالمین پخاک
ریخته شده سبب ارشاد جم غفیر بشاهراه مستقیم
امر الهی گردد و آفاق قلوب قاسیه محتجبین را
بنور هدایت کبری روشن و منور فرماید انه سمیع
مجیب

ترجمه حیات امة الله
المنجذ به میسیس مکسول

(بقیه از شماره قبل)

با رعایت این روش
می مکسول شروع به
نشر تعالیم در -

مونتریاال نمود و از تاریخ ۱۹۰۳ بود که خدمات می
مکسول در آنجا آغاز ظهور و بروز نمود اول مستر مکسول
و بعد پسر عموش مارماک بین امر مبارک را قبول
نمودند و طوری نکشید که عده کثیری از نفوس در ظل
تعالیم الهی وارد شدند . ضمنا می مکسول
مشغول خدمات اجتماعی در بین توده هم

وطنان خود که از جمله تاسیس کود کستمان بود -
گردیده و باین طریق شهرت بسزائی در بین
هموطنان خویش یافت بنوعی که انعکاس خدمات
او در موقع تشریف فرمائی حضرت عبدالیهها بخاک
کانادا مشهود گردیده و اهالی مقدم مبارک را با
گرمی تمام گرامی داشته و احدی بمخالفت و -
اعتراض برنخواست . در ۳۰ اوت ۱۹۱۲ که تاریخ
تشریف فرمائی مبارک بکانادا بود حضرت مولی
الوری بمحض ورود بمنزل میسیس مکسول نزول اجلال
فرمودند و مدت چهار روز در بیت ایشان با کمال
بهجت و سرور اقامت فرمودند . روزنامه (ستاره
روز) چاپ مونتریاال مدت یک هفته از تشریف فرمائی
مبارک خبر میداد و شیکل مبارک اقامت خود را -
حصر در مونتریاال فرموده و در آنجا غیر از ملاقات
بافروستجا و افراد هفت فقره خطابات مهم عمومی
ایراد فرمودند بعدا ابلاغ و اعلان دولوح مهم
را که بافتخار اهالی کانادا بقلم مبارک نازل شد
بعده میسیس مکسول گذاشتند میسیس مکسول
در کانونشن های متعدد بنماینده گی احببای
مونتریاال شرکت نمود و با وجود ضعف و کسالت -
مزاج بنوعی در جمعیت یاران صحبت مینمود که
ارواح رامشعل و قلوب را منجذب ساحت کبریا
میفرمود .

حضرت مولی الوری در حق این کوکب نورانی
باین بیان ناطق (ترجمه انگلیسی)

(می مکسول در حقیقت بهائی است جز در
خدمت بامر الله نفسی برنیاورد و کلمه فی برزیا
نراند هر که با او ملاقات کند از مجالست با
او راحه ملکوت استشمام نماید مصاحبت با
او روح افزا و جان پرور است)

جمعیت جوانان بهائی که از سنه ۱۹۲۷ به
بعد در کانادا مشغول فعالیت بودند -
همواره از وجود عزیزش کسب فیض و درک مساعدت
و کمک مینمودند و از دوستی و محبت خالص و
سخاوت و بخششش مستفیض میگشتند . از سنه
۱۹۱۶ ببعد بشهرهای مهمه کانادا مسافرت
نموده تبلیغ امر الله فرمود و نفوس مقدسی را در ظل
شیر

الهی وارد کرد در یکی از مکاتیب خود حضرت
عبدالبهاء در حق این خادمه درگاه الهی
بیانات ذیل را میفرماید (ترجمه) "مولایت
تو را امری تایید خواهد فرمود که ملکه های
روی زمین در جمیع ازمنه و قرون بر سعادت
تو غبطه خورند زیرا محبت الله تاج افتخار است
بر فرق تو که جواهر تابان آن در جمیع افساق
درخشند و نمایان و تلوتها بشران در قرون
اتیه هنگامی جلوه نماید که انوار الهی منتشر
شده بکلمه الله قلب جمیع اهل ارض را احاطه نمود ^{شد} بها
در ماه اوت سنه ۱۹۳۵ بنا با امر مبارک
حضرت ولی امر الله که احبای امریکارا برای
امرتبلیغ بسوی اروپا متوجه میفرمودند با شوهر
خود از امریکا بصوب اروپا حرکت فرمود و ایمن
مسافرت مدت دو سال بطول انجامید و ضمن این
مدت بکمال قوت و همت بتبلیغ امر الله در شهر
های مهمه المان و بلژیک و فرانسه مشغول گردید
و نتایج مهمه گرفت بعد از آن در آوریل ۱۹۳۶ از
بروکسل بلیون رفت و در آنجا چندی در جمیع
احباب و نفوس را بنار محبت الله مشتعل
می ساخت ضمناً در ششمین کنفرانس سالیان
محصلین بهائی پاریس شرکت جستة نطقی در
باب عملیات و اقدامات جوانان بهائی آمریکای
برای آنان داد نمود در مدت دو ماه اقامت در
لیون جلسات ملاقات هفتگی و جلسات مخصوص
برای مطالعه نظم اداری بهائی و محافل نوزده
روزه و کلاس مطالعه تعالیم امری جهت جوانان
تاسیس فرمود در ماه دسامبر و ژانویه ۱۹۴۰
با مستر مکسول به نیویورک و انگلوند و واشنگتن
و فیلا دلفی مسافرت و نزدیک سال نو با میسیس
رعی بمناسبت چهلمین سال تصدیق خانم
منیر در پاریس جشنی منعقد نمودند
ولی هنوز صفحه دیگری از تاریخ مشتمل
زندگی آن کوکب نورانی افق ابهی باقی بود که
انهم بنحوی که ذیلا مشروح است با موفقیت پایان
یافت

از تاریخ ۱۹۳۸ آمریکای جنوبی همواره
مطمح نظران خادمه درگاه الهی بود و مدت
دوازده سال بمعیت یکی از مبلغین مقیم انجما

بطور غیر مستقیم خدماتی در آن خطه انجام
میداد تا اینکه امر مولای حنون بمسافرت احبا
بنقاط مختلفه امریکای جنوبی جهت اعلاای امر الله
و تبشیر کلمه الله صادر گشت دستور مبارک بنسوسی
قلب آن مومنه بالله را تسخیر نمود که انسانی
آرام نگرفت و با اشتیاق و اشتعالی مو فوریا کسب
اجازه از حضرت ولی امر الله و موافقت شوهر
و طبیب معالج خود در ۲۴ ژانویه ۱۹۴۰ با
کشتی برزیل باتفاق دختر برادر خویش موسوم
بژن یولز بسمت بوئنوس ایوس حرکت نمود
در کشتی موفق بتبلیغ خانم جلیله که همسر یکی
از نظامیان برجسته بود گردید در بین راه در
ریو و جینرو بمعیت یکی از احبباء جلسات مقدماتی
و کنفرانس تبلیغی دائر و تبلیغ و تبشیر برداخت
و بارئیس یکی از دانشکده های انجما صاحبیه
نمود در مدت دو هفته اقامت خود نتایج
مهمه گرفت و در ۲۷ فوریه وارد بوئنوس ایوس
گردید از اب و هوا و کیفیت اهالی انجما بمسی
مسروور و مشعوف بود در شب ۲۸ فوریه در سیتی
هتل در اطاق خصوصی خود با دوستان شام
صرف نمود و ضمناً شرح موثری از روحیه خانم
راجع بتدقین رمسین مظهرین در کوه کومل در
انشب قرائت و بعد از همان شب نیز یکی از
احبباء بوسیله تلفن به میسیس مکسول تبشیریک
ورود گفت و خادمه درگاه الهی در کمال سرور
و شاشت بود ولی صبح روز بعد در یک سختی
در سینه اش پدید آمد و با اینکه طبیب اطمینان
بر فیه حران میداد معذک اراده حق او را از
میان دوستانش در برد و بعالم ملکوت ره بنمود
در رسوم مارس احباب وی را موقتاً در یک مقبره
انگلیسی تدفین نمودند بعد از تگرافی با ذکر
مقام شهادت در حق آن محبوب درگاه الهی
مخابره گردید و در ظهر روز ۱۳ مارس پس از
با ادعیه و مناجات محافل ارژانتین و برزیل و
آرگوئی و کلمبیا و سوریه و ممالک متحده امریکای
استماع صفحه صوت مبارک که در اولین دفعه
در خطه امریکای جنوبی شنیده میشود جسد
مطهران طیر قدسی بارامگاه ابدی خود در
مخلی موسوم به گوپلز سپرده شد (خاتمه)

صورت مکتوبی که در تاریخ ۱۶ شهریورماه سنه محالیه بمقام محترم هیئت وزیران مرقوم و سواد برای هر یک از وزراء مرسول گردیده است

مقام منیع هیئت محترم وزیران

چنانکه خاطر شریف آن وزیران محترم مسبوق و مستحضر است دیانت بهائی در دوره - زمامداری پادشاه جبار ناصرالدین شاه قاجار ظاهر شد و از بدو ظهور پیروان این دیانت در کلیه نقاط مملکت باشد عقوبات گرفتار و بقسمی در کشتار این طائفه شقاوت و قساوت بمیان آمد که اقوام متمدنه عالم انگشت خیر نمیدانان گرفته بر توحش و بربریت ملتی که در گذشته ایام آوازه مدنیتش در اقطار مختلفه جهان منتشر و افراد آن بمرآت و آدمیت معروف و مشتهر تاسف خورده و مراتب تحیر و شگفتی خویش را از تیز چنگی و درندگی در متون اوراق و اخبار و بطون صحائف و آثار بیادگار گذاشتند .

چون آن وزیران محترم همه اهل دانش و فضیلتند و بر مسائل تاریخیه محیط و مسلط بتکرار اقوال مورخین و نقل بیانات مستشرقین در این نامه حاجت نخواهد بود .

وقتی دوره ظلمانی حکومت استبدادیه پایان رسید و مجلس شورای ملی و دولت مشروطه تشکیل و تاسیس گردید بهائیان مظلوم چنین تصور مینمودند که ممکن است زمان جور و ستم سپری شود و نوبت حکومت قانون و عدالت فرا رسد و اگر متعصبین و پیشوایان دین بخواهند مجدداً ایرانیان را برادر کشی تشویق ترغیب نمایند و مانند گذشته دست آنان را بخشون بهائیان اغشته کنند حکومت بنام قانون و انسانیت و اجرای عدالت ممانعت فرماید و دست ظالمین را از ظلم کوتاه و وسائل آسایش و رفاه جمععی بیگانه را فراهم نماید یا لاسف که این امید و آرزو بزودی چون ظل زائل گشت و در دوره - مشروطیت نیز خون بهائیان خاک پاک ایران را

رنگین نمود و در اقطار و اکاف این کشور مقدس باران بلایای لاتحصى بر پیروان دیانت حضرت بهاء الله ببارید حتی در دوره سلطنت - اعلیحضرت فقید رضا شاه پهلوی که ملت ایران بیشتر از پیشتر بر رعایت اصول مدنیت ابراز میل مینمود و دولت شاهنشاهی تبعیت از مبادی انسانیت را لازم و ضروری میشمرده همان مظلوم دوره سلطنت پادشاهان مستبد قاجار مجدداً تکرار شد و داستان قتل و غارت بهائیان در بعضی از نقاط اقلیم جلیل ایران بمیان آمد .

پس از حلول دوره اخیر که در عسرف نویسندگان کنونی بدوره (دموکراسی) - نامیده شده و ارباب قلم و صاحبان نطق و بیان در مدح و ثنای آن مقالات عدیده و خطابات کثیره مرقوم و القا نموده اند بهائیان امید گذشته را از نو در دل پرورانیده و گمان مسی نمودند که شاید در این دوره بالاخره اصل مسلم حریت وجدان که نزد عموم اقوام متمدنه جهان گرامی است در وطن عزیز ما نیز مراعات شود و هم وطنان ارجمند دست از برادر کشی برداشته حقوق مدنی کلیه ساکنین این کشور را محترم دانسته اختلاف دین و عقیده را سبب خون ریزی قرار ندهند متأسفانه در این دوره نیز آنان روی آزادی ندیدند و لذت راحت و آسایش نچشیدند و هر روز با حادثه سهمگین و واقعه خرنین مواجه گردیدند :

اولا - مخالفین دیانت بهائی بنام (آزادی - قلم) در صفحات جرائد و مجلات آنچه خواستند و توانستند ببهائیان نسبت داده و از هیچ گونه تهمت و افترا مضایقه ننموده حتی آنانرا صریحا و علنا (مهدورالدم) خوانده هم وطنان عزیز را باذیت و آزار ایشان تشویق و ترغیب نمودند چنانکه هنوز هم این حملات قلمی بر ضد بهائیان بکمال شدت ادامه دارد و مدیر نامه (منشور نور) و مجله (آئین اسلام) و دیگران اهالی مملکت را - تحریک و تشجیع بقیام عمومی بر علیه آنان مینمایند

و اولیای امور چنانکه باید و شاید در صدد جلوگیری از محرکین نبوده و نیستند در مقابل این (آزادی قلم) که بمخالفین دیانت بهائی داده شده حق دفاع و بیان حقیقت از بهائیان مسلوب و آزادی مطبوعات بهائی مفقود بقسمی که بهائیان بهیچ وجه قادر بر دفاع از حقوق حقه خود نبوده و ناچار دست بسته نشستند و با نارقلیه بدخواهان و دشمنان خود که مملو از مشحون از افک و افترا نسبت بانان است نگریسته و از عدم رعایت عدالت در این قسمت ابراز تاسف و اظهار تاثرو تحسر مینمایند علاوه بر آنکه بهائیان در داخل کشور خود آزادی قلم ندارند کتب بهائی که بالسنه مختلفه از خارج به ایران وارد میشود و جز ذکر خدا و نعت انبیا و شرح و بیان تعالیم مقدسه حضرت کبریا چیزی در آن یافت نمیکرد غالباً بدست مامورین گهوک در سرحدات باتش تسلیم میشود .

هر چند اینمحفل بوزارت جلیله فرهنگ مراجعه و تقاضا نموده که یا از مطبوعات ضد بهائی جلوگیری شود و یا بهائیان نیز آزادی قلم اعطا گردد و لکن متاسفانه توجهی بمسئله مستدعیات او نگردیده است .

ثانیاً - وعاظ و روحانیین در غالب نقاط کشور بر راس منبر نفوس را بقیام بر علیه بهائیان تحریک و بقتل و غارت آنان تشویق و ترغیب نمودند و الی الان هم این رویه متروک نگشته و مفسدین دست از فساد برنداشته اند بقسمی که بر اثر این تحریکات و تلقینات در نقاط عدیده جمعی از بهائیان مضروب و مجروح گردیدند و اموال ایشان بیغما رفته است .

ثالثاً - در شاهرود سه نفر از بهائیان را بطرزی فجیع بقتل رسانیده و سبائترین را از محل سکونت خود متواری ساخته و بر اهل و عیال آن مظلومان نیز رحم ننموده اند و چون اولیای محترم امور کاملاً از محرکین فساد جلوگیری نفرموده کار بجائی رسید که امثال جناب خالصیزاده بهائیان ستم دیده را در این واقعه مقصر قلمداد نموده یعنی

مقتول را محکوم و قاتل را حاکم دانسته اند . شرح مظالم وارده بر بهائیان مرتباً به اطلاع اولیای محترم امور رسیده و در محفظه اوراق اداره کل شهربانی و ژاندارمری و وزارت کشور و مقام نخست وزیری حتی پیشگاه اعلی حضرت همایون شاهنشاهی عرائض و مکاتیب تظلم آمیز این محفل که بالوکاله از بهائیان ایران مرقوم داشته موجود اگر فرصت مراجعه و مطالعه برای آن وزیران محترم فراهم باشد ملاحظه خواهند فرمود که این جمیع مظلوم بیش از حد طاقت تحمل مصیبت و مشقت نموده و بکمال صبر و بردباری فقط بولا قو امور تظلم و دادخواهی کرده است علاوه بر مصائب و بلایای مذکوره در ظرف شهر اخیر و قایم ذیل رخ داده است :

۱ - در بروجن اصفهان - هروآباد خلخال فریدون کنار - بهنمیر - شاعی و ایول از نقاط مازندران - قم - محلات - نطنز - آران کاشان و نقاط سائر بهائیان مورد تجاوز و تعدی اهل غرض و عدوان قرار گرفته اند ۲ - در زابل خانه یکی از بهائیان را آتش زده و طفل معصوم را بمخاطره کشیدند افکندند .

۳ - در فیروزکوه اعالی بر علیه بهائیان اغوا و چند نفر از آنان محبوس و عیال و اطفالشان مضطرب و پریشان و مغازه یکنفر تاراج و تالان گردیده و عاقبت دشمنان و بدخواهان تهمت فساد بر بهائیان گذاشته و محرکین اصلی را تبرئه نموده اند .

۴ - در راور کرمان بتحرک برهان روضه خوان سه نفر از بهائیان را نوعی مضروب و مجروح ساخته اند که دو نفر از ایشان مشرف بموت اند .

۵ - در جهرم اهالی بتحرک سید علی اکبر واعظ لاری بر علیه بهائیان آن محل هجسوم عام نموده بعضی را مجروح و برخی را مضروب و جمعی را از خانه و کاشانه خود متواری و

جمال مبارك در جميع بسيط زمين محترمتريسن
حكومات خواهد گشت و ايران معمورتريسن بقاع
عالم خواهد شد آن هذا فضل عظيم وان في
ذلك لعبرة للناظرين)

(مستقبل ايران در نهايت شكوه وعظمت و -
بزرگواري است زيرا موطن جمال مبارك است -
جميع اقاليم عالم توجه ونظر احتوام به ايران
خواهند نمود و يقين بدانيد كه چنان ترقيسي
نمايد كه انظار جميع اعاض و دانايان عالم
حيران ماند هدييه بشاره كبري بلغها لمن
تشاء و هذا وعد غير مكذوب)

آيا سزاوار است كه ما بهائيان كه تا اين
درجه با ايران تعلق و وابستگي نداريم نهايت
صداقت با اين آب و خاك خدمت مينمايم و بكمال
صميميت از مقررات اداري مملكت اطاعت ميكنيم
و صيت عظمت و بزرگواري ايران عزيز را در -
جميع اقاليم عالم منتشر ميسازيم و پيرو ديانتسي
هستيم كه موسس آن ايراني و تعاليمش مصدق
جميع انبياء الهبي على الخصوص شريعت مقدسه
اسلام است و از مداخله در امور سياست -
منوعيم با اين اندازه در وطن محبوبمان د چهار
انيت و آزار مفسدين و اشرار تبه كار با شيسم
و اولياي محترم امور چنانكه بايد و شايد
اقدام برفع تعديات نفوس ظالم و شرور نفرمائند
در اين مقام بيان حضرت عبدالبهاء را بايد
بخاطر آورد *

(از سرشگ ديده يتيمان ستمديدگان حذر
لازم زيرا سيل خيز است و از دود آه مظلوما
پرهيز بايد زيرا شررا انگيز است)

آيا سزاوار است كه در اين قرن وعهد
كه انوار مدنيت عالم را روشن نموده و دولت
ايران مايل بهمكاري و همسري با ملل راقيه
جهان گرديده از افراد جاهل ايراني
حركاتي سرزند و اعمالی بروز نمايد كه ايران
را در انظار ملل راقيه جهان از اوج نيكناهي
بحضض بدنامي كشاند ؟ آيا وقت آن نرسيده
كه از ستمكاري و بيدادگري جمعي از محركين

گروهي را خانه نشين و از كار و كسب محروم ساخته
انسد و هر روز جمعي از عوام الناس با طبل و علم
در معابر و اسواق هياهو و غوغا بر پا نموده و خانه
بهائيان را سنگباران كرده و آنان را بانواع مصيبا
گرفتار ساختنند عجبتو از هم آنكه بعضي از -
اولياي امور محلي على الخصوص فرمانده تيپ جهرم
جناب سر هنگ شيرواني خود در اين واقعه با
محركين و مفسدين هم دست و هم معنان بوده و آنان
را بقتله و فساد تشويق و ترغيب مينموده اند *
هنوز هم شعله اين آتش فرو نرفته و محركين
باتكاء اولياء امور محلي بتجاوزات خود ادامه
داده و در صدد تجديد واقعه هائله سنه
۱۳۰۴ ميباشند كه در جهرم منجر بقتل هشت
نفر از بهائيان مظلوم گرديد *

الحال كه قلم بر صفحات اين نامه شرح
وقايع محزنه را رقم ميزند ممكن است حساوت
سهمگين در نقاط مختلفه كشور مقدس ايران براي
بهائيان در شرف وقوع و حدوث باشد زيرا مفسدين
بنهايت شدت بفساد مشغول و اولياي محترم
امور يا فارغ از اين موضوعند و يا اقدامي
ضعيف مي فرمايند و يا در بعضي از نقاط -
محركين و مفرضين هم دست و همزيانند ديگر با
اين وصف حال جمعي از رعاياي مطيع و صديق
اين مملكت واضح و عيان و مستغني از شرح و بيان
است *

اي وزيران محترم ما بهائيان ايراني
هستيم و نام ايران را كه مهد ديانت بهائي و مقتل
و مشهد هزاران شهيد في سبيل الله است به
بزرگي ياد ميكنيم و يگانه ارزومان حصول عظمت
و عزت اين كشور تابناك است بهائيان سائير
ممالك دنيا نيز با ما در اين نظر شريكند و اين
اقليم مقدس راقبله آمال خود ميدانند و هريك به
كمال اشتياق مايل بزيارت مشاهد متبركه بهائي
در اين كشورند ما بيقين مبين ميدانيم كه سر اين
بيان حضرت عبدالبهاء بزودي راجع بايران ظاهر
و عيان خواهد گرديد *

(عن قريب ملاحظه خواهد شد كه دولت وطنسي

چون حل این مسئله از لحاظ اهمیت موضوعی الحقیقه با هیئت محترمه وزیر است لهذا بان مقام منیع مراجعه و بنهایت احترام انظار صائبه آن وزیران محترم بدین نکته دقیقه معطوف و... متوجه میگردد که رسمی نبودن دیانت بهائیان در نظر دولت مانع و رادع جلوگیری از تجاوز و تعدی بحقوق مسلم بهائیان که اتباع دولت ایرانند نبوده و نخواهد بود زیرا اصل هشتم از قانون متمم قانون اساسی ایران بنهایت صراحت و بدون ابهام حاکی از آن است که « اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود » و این اصل بنحوی عام و شامل کلیه افراد اهالی مملکت صرف نظر از عقائد دینیه آنان وضع شده که هیچ فردی را مستثنی ننموده است .

بر وفق این اصل بهائیان ایران در مقابل قانون دولت با افراد سائره متساوی الحقوقند و بهیچ عنوان نمیتوان آنان را از حقوق مسلمه خوش منجمله تحصیل در مدارس و معاهد علمی ممنوع داشت .

اصل دوازدهم از قانون مزبور حاکی است که (حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمیشود مگر بموجب قانون)

در این صورت چگونه محصلین بهائی که سنین تمامیه زحمت کشیده و در دانشسراها بتحصیل پرداخته در موقع چیدن ثمر از زحمات خویش بدون مجوز قانونی مجازات و اجرای حکم بر آنان شده و از حق تحصیل علم و دانش ممنوع گردیده اند .

از هیئت محترمه وزیران که حامی قانون و حافظ و حارس حقوق عموم افراد اهالی کشور مقدس ایرانند در این موقع که منشور ملی متفق نیز از تصویب مجلس شورای ملی گذشته تمسبی و استدعا میشود بدون مجوز قانونی و برخلاف نص صریح قانون اساسی جمعی از جوانان بهائی را فقط بعنوان مذهبی از حقوق حقه خود محروم و از اندوختن دانش و تحصیل کمال که به المال بنفع کشور تمام خواهد شد ممنوع نفرمایند .

که برای حصول اغراض شخصیه ملک و ملت را به یبیزی میفروشند و ابدا در فکر آبرو و شرافت - ملک نبود و نیستند بنام عظمت و عزت ایران جلوگیری شود ؟

دیانت بهائی الحالی در هفتاد و هشت - اقلیم از اقلیم دنیا پیرو و تابع دارد آیا وقتی اخبار موحشه جور و ستم که در ایران نسبت به بهائیان معمول و مجری است بسمع آنان برسد در باره ایران چگونه قضاوت خواهند نمود و آیا شیوع این مطالب در عالم لطمه بعظمت و بزرگی ایران وارد نخواهد ساخت .

با بد دولت متبوع خود از مظالم وارده شکایت مینمائیم و آنچه بنظرلمان برای مزید عزت و سعادت ایران مفید و لازم آید بعرض میرسانیم و متوقع و منتظر چنانیم که اولیای محترم امور جمع کثیری از رعایای مطیع و آرام این کشور مقدس را در مقابل تجاوز و تعدی ستمکاران حفظ و - حراست فرمایند و از حق جل جلاله مسئلت می نمائیم که دولت و حکومت ما را با اجرای عدالت موفق و موید گردانند .

باتقدیم احترامات فائقه منشی محفل روحانی ملی بهائیان ایران صورت مکتوبی که بمقام منیع هیئت وزیران مرقوم و سواد بوزارت جلیله فرهنگ مرسول گردیده است :

مقام محترم هیئت وزیران

بکمال احترام معروض میگردد :

چندی قبل شرحی از طرف این محفل بوزارت - جلیله فرهنگ مرقوم و استدعا شد که از تعلیم و تحصیل جوانان بهائی در دانشسراها جلوگیری نشود و محصلین بهائی فقط بعنوان بهائی بودن از ادامه تحصیل در معاهد علمیه مزبوره منبوع نگردند .

جناب آقای وزیر معارف در جواب اظهار فرمودند که چون دیانت بهائی در کشور ایران برسمیت شناخته نشده نمیتوان بتقاضای بهائیان در این مورد اقدام و رفع محذور مزبور را نمود

و در این باب دستورات صریحه و تعلیمات اکیده بد و اثر مربوطه صادر نمایند .

باتقدیم احترامات فائقه

منشی محفل روحانی ملی بهائیان ایران
/ علی اکبر فروتن /

اخباری امری خارج ایران
هندوستان

اول - استخراج
از مکاتیب متحد
العال محفل
مقدس روحانی

ملی بهائیان هندو برهما :

چنانچه سابقا باستحضار احبای عزیز الهی رسید محفل مقدس روحانی ملی بهائیان هندو برما برای ترجمه و طبع کتب اموی بزیانهای محلی هندوستان توجه مخصوص مبذول داشته و چون راپورت این تصمیم محفل مقدس بساحت اقدس مولاى محبوب و حسنون حضرت ولی اموالله ارواحنا فداه میرسد تلگرافا و کتبا در این موضوع دستورات اکیده صادر و محفل مقدس را بتسریع در این امر مهم تشویق و دلالت میفرمایند و اینک قسمتی از ترجمه تلگرافات مبارک و توابع منیعه زینت بخش این اوراق میگردد :

۱ - « تزئید اقدامات تبلیغی و توسیع دائره نشریات امری مقدمه حتمی و ضروری برای ایجاد فعالیتهای منظم تبلیغی در سرزمینهای مجاور در سنین اولیه قرن دوم دور بهائی است . اقدام فوری را در ترجمه عصر جدید اسلمنت به زبانهای نپالی اسامی و چین موکدا توصیه مینمایم مبلغ یک هزار لیره برای پیشرفت این دو منظور تلگرافیا ارسال میگردد الطاف بی پایان را جهت حصول موفقیتهای بی سابقه ملتسم .

شوقی ربانی)

۲ - « تسریع در ترجمه و طبع عصر جدید را به سیزده زبانی که تاکنون انتخاب شده است تاکید مینمایم مساعی مضاعف و فوری برای تهیه مقدمات انجام وظیفه که در پیشراست لازم برای موفقیت شما دعا میکنم نتیجه اقدامات خود را در اینعمل مبرور تلگراف کنید .

شوقی ربانی

۳ - « از مشاگل متعدده که در هنگام جنگ در موضوع مطبوعات با آنها مواجه میشوید کاملا وجود مبارک مستحضرنند ولیکن همه موانع را باید بوسیله استقامت و اطمینان بتاییدات مولاى حنون که همواره برای ترویج امرش ظهور ما خواهد بود - مرتفع نمود . امور ترجمه و طبع کتب که اکنون آن محفل در دست دارد فوق العاده مهم و برای پیشرفت اموالله در هندوستان و توسعه دائره مطبوعات بطور کلی موثر خواهد بود)

قسمتی از تلغراف مبارک بافتخار کانونشن ۴ - « سال دوم از قرن دوم بهائی بایستد شاهد توسعه خدمات تبلیغی و انتشار عمومی کتب و مطبوعات امری باشد) انتهی مرقومه دیگر محفل مقدس روحانی ملی بهائیان هندوستان حاکی است که در پنجگین (۶۳) میلی پونه) که محلی است ییلاقى و خوش آب و هوا پرورشگاهی شبانه روزی در شرف تاسیس است و دو نفر از اماء الرحمن برای تربیت و تنظیم امور داخلی و تعلیم و تربیت اطفال بهائى گماشته خواهند شد سن شاگردانی که برای این پرورشگاه پذیرفته میشوند از پنج الی ۱۲ سال است و فعلا برای هیجده نفر جا و محل ترتیب داده اند پرورشگاه نامبرده در تاریخ اول اگست افتتاح میشود و در چهار روزه اول اگست با حضور نمایندگان اعزامی محافل مقدسه جشن افتتاح منعقد میگردد و محفل در نظر دارد که این پرورشگاه تدریجا مبدل بیک مدرسه بهائی شود .

دوم - نقل از نامه جناب احمد صمیمی

(بقیه از شماره قبل)

در این باب با محفل مقدس روحانی ملی مشورت و تقاضا نمودم برای تشرف بحضور مبارک و اعتبار مقدسه تلگرافا کسب اجازه فرمایند . بعد از چند روز جوابی واصل گردید که ترجمه آن بفارسی چنین بود (بصمیمی اطلاع دهید - که فرصت را مغتنم شمرده بمرکز امری در سراسر هندوستان مسافرت نماید - الحال پیشرفت - اموالله اجرش جزیل تر از تشرف با اعتبار مقدسه

است • شوقی ربانی) حسب الامر مطاع مبارک و با مشورت امنای محفل مقدس روحانی ملی طبق پروگرام معینه شروع بمسافرت بنقاط مختلفه کشور وسیع هندوستان بقرار شرح ذیل نمودم :

پونه - کھلاپور - بلگام - میسور - بنگالور - ولور - مدرس - پونه (مراجعت) حیدر آباد - دکن - سکندر آباد - شولاپور - پونه (مراجعت) پنجگنی - پونه (مراجعت) - بمبئی - سورت - اوچین - ناگپور - کلکته - کمرحلی - سر امپور - الیگره - دهلی (مراجعت) - لاهور (مراجعت) - امریت سر - کری افغانان - (نزدیک قادیان) - لاهور (مراجعت) - جمو (کشمیر) - سری نگر (کشمیر) - لادفور (مراجعت) - حیدر آباد سند - کراچی •

در این نقاط عده ئی دارای محافل روحانی و عده جمعیت بهائی بودند در بیان نقشه شش ساله احبای عزیز دند و سمنان در اثر اجرای دستورالعمل موده مولای توانا دایم بر لزوم توسعه و انتشار امر در سراسر کشور هندوستان عده ئی مراکز و مجامع بهائی از ۱۶ به ۱۶۰ ارتقاء یافته است • خلاصه در هر يك از این نقاط مختلفه از يك روزی الى يك هفته اقامت نموده دوستان عزیز را ملاقا و اوضاع امری را مشاهده نموده نظریات و پیشنهادات خود را در باب پیشرفت امر ابریه و اصلاح اوضاع مجامع و مراکز بمحفل مقدس روحانی ملی دهند و بر ما تقدیم نمودم - شانزد همین کنونشن سالیانه بهائیان هند و برما امسال در پونه در سالون مهمانخانه (هتل ناشنال) با حضور پنجاه و سه نفر نماینده مراکز مختلفه هندوستان تشکیل و جلسات شش روز ادامه داشت این بنده نیز بر حسب امر محفل مقدس روحانی ملی سعادت حضور در جلسات کنونشن را داشتم و از محضر یاران عزیز و استماع بیانات و مذاکراتشان کسب فیض و مسرت مینمودم گاهگاهی نیز خدمت ترجمه بیانات و اظهارات نمایندگان بعهد بنده بلیه واگذار میشد • خلاصه پس از ختم جلسات کنونشن مسافرت خود را بنقاط مختلفه کشور

هندوستان ادامه دادم • در طی مدت مسافرت بصفحات جنوبی هندوستان جناب سروش فرود یگانگی از یاران عزیز و مشتعل پونه بمعیت بنده مسافرت نمودند این شخص نازنین و خانواده - جلیل ایشان از نفوس خالصه و منجد به هستند که پس از صد و ر امر مبارک مولای توانا دایر بسه مهاجرت با طراف داوطلبانه و با کمال انقطاع بشهر بنگالور واقع در جنوب هندوستان مهاجرت نمود و پس از مدتی موفق بتاسیس محفل روحانی در آن بلد گشتند با آنکه کسب و کار ایشان در پونه میباشد معذ لك برای انجام خدمات امری خانواده خود را در بنگالور گذاشته و خود گاهگاهی برای امورات کسبی به پونه مسافرت مینمایند جناب سروش فرود یگانگی از نفوسی هستند که زندگی خود و خانواده - خویش را بالکل صرف امر و خدمات امری نموده اند حضور ایشان در نقاط مختلفه علاوه بر آنکه از حیث انجذاب و اشتعال ذیقیت و مفید بسود آشنائی ایشان بچند زبان هندی باعث تشهیل مسافرت و ملاقات مختلفه گردید در قسمت مسافرت بسایر نقاط هندوستان با تصویب محفل مقدس روحانی ملی در خدمت حبیب روحانی جناب عبدالصمد آزاد از احبای عزیز حیدر آباد دکن بودم - این نفس خدوم و مهربان نیز نهایت محبت و مهربانی را مبذول داشتند جناب عبدالصمد نیز از لحاظ آشنابودن بسنه السنه مختلفه هندی و گجارتی نیز کمک موثری در امر مسافرت بودند و در بعضی موارد بیانا بنده را بزیبان محلی ترجمه میفرمودند •

خلاصه علاوه بر زیارت دوستان و حضور در مراکز امری موفق بملاقات نفوس مختلفه از محترمین و وزراء و فلاسفه و روسای مذاهب و تپاسفه ها گردیدم و پیام الهی را بمع انبها رساندم • از جمله در شهر (اوچین) از ایالت (گوالیور) عده از محترمین مسلمان و هندو و تپاسفه در سالون بهائی "Baha'i Hall" حاضر و مسائل مختلفه از طرف حضار مطرح

ونفوس حاضر در آن جلسه بشحقیق و تحری
 اصول دیانت مقدسه بهائی ظاهر مخالف -
 شئون و مقام ریاست ساد و بود معین این
 شخص منصف با نهایت آزادی فکر و بدون -
 ابراز هیچ گونه تعصبی مسائل امر بهائی را
 شخصا بتابع خود توضیح و تشریح نمود .

نقطه اخیر ملاقات و مسافرت بنده کراچی
 بود پس از توقف یک هفته در آنجا با هواپیما
 بعراق مسافرت و سه روز در بغداد توقف
 کردم در این مدت در دو جلسه احبای
 الهی را در حظیره القدس ملاقات و از زیارت

ایشان کسب نصرت نمودم . احبای عزیز
 این شهر نیز تقاضا کردند مراتب تکیب
 و تحبیب ایشانرا بدوستان ایران تقدیم
 دارم

در خاتمه امید وارم وسائل غیبیه فراهم گردد که
 دوستان ایران بتوانند بالتیم وسیع
 هندوستان مسافرت نموده و با یاران عزیز
 - آن کشور در انجام خدمت امر -
 معاضدت و مشارکت کنند زیرا در هندوستان
 میدان خدمت بس وسیع است .

اول - ترتیب اجرای
 عقد بهائی و غیر
 بهائی

قرارهای محفل
 ملی

چون در مواقع ازدواج بهائی با غیر
 بهائی شروط و ترتیباتی که در بیانات مبارکه
 مصرح و طی مکاتیب متحد المال این محفل
 بمراکز امریه ابلاغ گردیده حسب الامر مطاع
 مقدس باید حتما دو عقد جاری شود برای
 احتراز از مشکلات متصوره مقرر گردیده که
 عقد بهائی و غیر بهائی در یکوقت و زمان و -
 توأم با یکدیگر اجرا شود بدین معنی که
 وقتی مذاکرات لازمه قطعی گردد و وسائل
 تزویج کاملاً مهیا شد و اشکالی برای اجرای
 مقررات عقد باقی نماند همان وقت که عقد
 غیر امری اجرا میشود عقد امری نیز جاری
 و متعاقب آن زفاف واقع گردد زیرا بر حسب

و جوابهای لازم داده شد در این شهر نیز بسا
 راهنمایی جناب مهربان و خانم محترمه ایشان
 بملاقات وزیر دارائی ایالت (گوالیور) رفته و دو
 کتاب امری بزیان انگلیسی (بهاء الله و عصر
 جدید و) و موعود فرا رسیده) بایشان دادم .
 در شهر مزبور با روسای تیا سغه ملاقات و یکجلد
 کتاب (یوم موعود فرا رسیده) بایشان داده
 شد که در کتابخانه خود بگذارند . در شهر -
 (بنگالور) واقع در جنوب هندوستان نطقی در
 باب اصول و مبادی امر مبارک ادا شد و شرحی نیز
 در این خصوص در یکی از جراید محلی درج شد
 روز اول عید سعید رضوان در احتفال احبای -
 عزیز (بنگالور) و انتخابات محفل روحانی آنجا
 حضور داشتم و دو نفر از اعضای محفل روحانی این
 شهر مستر گاودی و مستر لازار اصلا انگلیسی
 میباشند در شهر (سورت) ایالت کجرات -
 خانم متصاعد الی الله جناب وکیل و صبیای ایشان
 امة الله باهره خانم و طاهره خانم نهایت محبت
 و لطف رامعی داشتند و جلسه نطقی در منزل
 خود ترتیب دادند که عده از روسای آن شهر
 در آنجا حاضر بودند و در باب امر مبارک صحبت
 شد . از جمله نفوس مهمه که در شهر حیدر
 آباد سند ملاقات شد شخصی موسوم به (سادو
 واسوانی)

از اهالی حیدرآباد سند بود این شخص هندو
 قریب شش هزار نفر مرید دارد در سنوات قبل
 با مبلغه شهیره امة الله میس مارتاروت ملاقات
 کرده بود بصلاح دید احبای الهی بملاقات ایشان
 رفتم بسیار شخیر روحانی و با اطلاعی بسود
 شرحی در باب اشکالات کنونی جهان و حل -
 آن طبق اصول و تعالیم مقدسه دیانت بهائی
 برای ایشان صحبت شد . بنده را بجلسه
 مذهبی خود دعوت کردند در آنجا در باب امر
 مبارک صحبت و بعضی از اصول و تعالیم مبارکه
 بیان و شرح مختصری از تاریخ امر ادا شد .
 نطق مزبور را خود ساد و بزبان هندو برای مریدان
 خویش ترجمه کردند موضوع قابل توجه آنست که
 با آنکه ایراد نطقی در باب امر مبارک و دعوت

ب - در نقاطی که یک نفر بهائی مرد و همسر او دارد شخصاً برای شرکت در انجمن حاضر میشود *

ج - محافل روحانیه محلیم یک نفر را از بین خود بسمت نمایند تعیین مینمایند *

د - نمایندگان منتخبه از نقاط امریه با حضور کلیه اعضا محفل روحانی مرکز قسمت تشکیل جلسه خواهند داد و همه اعضا محفل روحانی مرکز قسمت حق رأی خواهند داشت *

ه - نظامنامه داخلی انجمن را محفل روحانی مرکز قسمت تنظیم خواهند نمود *

اول تقویم بهائی
چون بعضی از احباب الهی گاهی اسامی شهر بهائی را به

طوری مختلف ضبط نموده و در تحریرات خود بکار میبرند صورت اسما ماههای امسری بنحویکه در مجموعه (عالم بهائی) و کتاب شهیر (بها الله و عصر جدید) درج گردیده ذیلا ثبت میشود تا یاران عزیز ایران همان ترتیب را بطور متحد الشکلی رعایت فرمایند :

- | | |
|-----------------|------------------|
| ۱ - شهر البها | ۱۰ - شهر العزّة |
| ۲ - شهر الجلال | ۱۱ - شهر المشیة |
| ۳ - شهر الجمال | ۱۲ - شهر العلم |
| ۴ - شهر العظمة | ۱۳ - شهر القدرة |
| ۵ - شهر النور | ۱۴ - شهر القول |
| ۶ - شهر الرحمة | ۱۵ - شهر المسائل |
| ۷ - شهر الکلمات | ۱۶ - شهر الشرف |
| ۸ - شهر الکمال | ۱۷ - شهر السلطان |
| ۹ - شهر الاسماء | ۱۸ - شهر الملک |
| ۱۹ - شهر العلا | |

دوم - تجدید اعضای لجنه های امری چون در هر سنه پس از تجدید انتخاب محفل روحانی لجنه های امری نیز با تطبیق تجدید انتخاب یافته تغییراتی در اعضای

مخصوص صریحه مبارکه که زیب این اوراق شده فاصله بین عقد وزفاف جائز نیست *

حضرت عبدالبهاء جل ثنائیه در این خصوص به این بیان مبارک ناطق قوله الاحلی :

... اما مسئله عقد در لیل زفاف واقع گردد یعنی ایتین تلاوت شود ... *

و نیز میفرمایند قوله العزیز :

... اما عقد در لیل زفاف است یعنی بیسن عقد وزفاف فاصله نه این صریحست تاویل ندارد که بتاویل باز مثل سابق شود و محذور میماند ... *

حضرت ولی امر الله ارواحنا فداه میفرمایند قوله الاحلی :

"راجع بقصد و تلاوت ایتین در روز وزفاف در شب و با عقد وزفاف هر دو در روز فرمودند هر دو و جائز"

انتهی

از محافل مقدسه روحانیه متضمنی است قرار فوق را تنفیذ و اجرا فرمایند *

دوم - راجع بانجمن های شور محلی چون طی نامه متحد المال نمره ۳۰ / ۹۷۲ مورخ سوم شهر الجلال سنه ۱۰۴ موافق با ۲۲ فروردین ماه / ۱۳۲۴ بمحافل مقدسه روحانیه مراکز قسمتهای امریه ابلاغ گردید که هر چهار ماه یکمرتبه انجمن های شور محلی مرکب از نمایندگان جمعیت های بهائی و محافل روحانی قسمت خویش برای شور در امور مهمه امریه که مربوط بوظائف و تکالیف ایشان است تشکیل دهند قرارهای ذیل در تئیم و تکمیل نامه متحد المال مزبور بعمم مراکز امریه بدین وسیله ابلاغ میشود :

الف - جمعیت های بهائی برای مخفی یک نفر را برای شرکت در انجمن شور ولایتی انتخاب مینمایند حضرات اما الرحمن در انتخابات مشارکت میورزند ولی مجالستاً منتخب نخواهند بود *

انعقاد احتفالات مزبوره و تعیین ناطقین مطلع برای آشنا ساختن احباء بمبادی سامیه واحکام الهیه بذل مجاهدت و جدیت فرمایند .

پنجسم - محمد ابراهیم قدسیان شخصی بنام محمد ابراهیم قدسیان اهل نیریز فرزند مرحوم حاج موسی نزد احباء به منظور استفاده مادی خود را بهائی معرفی مینماید از محافل مقدسه روحانیه و یاران الهی متمنی است باظهارات مشارالیه اعتقائی نفرمایند و او را در قول خود صادق ندانند .

از اشعار جناب طاهرری

علیه بهاء الله

فکند شمس بهاء برقع از عذار محبت
که تا قلوب شود روشن از شرار محبت
نقاب از رخ چون گل گرفت شاهد معنی
جهان پیر جوان شد ز نوبهار محبت
هزار گونه گل و لاله زین بهار بروید
بدین ترانه که میخواند این هزار محبت
بیا بیا که سرا پرده یگانگی از نسو
بلند گشت ز لطف شهریار محبت
دوباره خامه تقدیر بر صحیفه امکان
رقم نموده بتجدید روزگار محبت -
بقطب عالم بر پا نمود خیمه وحدت
صلای عام زند شاه تاجدار محبت
بنص قاطع کلک قدم بهائی صادق
نثار جان کند از بهر انتشار محبت
بعدل صاحب بستان ز ریشه بکند آخر
هر آنشجر که نبخشد بخلق بهار محبت
بدار حرمتش ایدل بهر لباس که بینی
دلیکه سوخته باشد ز تف نار محبت
غلام همت والای آنانیس طریق
که رفت تا بسر دار پایدار محبت
نبود روی جهان لاله گون بخون عزیزان
بجای بود اگر عهد استوار محبت
دریغ و درد که یکباره سوخت آتش عصیان
بهر کجا اثری بود یادگار محبت

سابقه حاصل میگردد ممکن است برخی از اعضا
لجنه ها که در انتخابات جدید سعت عضویت
حاصل نمی نمایند چنین تصور نفرمایند که تغییر
ایشان مبنی بر عدم رضایت محفل از خدمات و
مجهوداتشان بوده است لهذا بدین وسیله
با اطلاع اعضای لجنه های ملی میسر شد که منظور
از تبدیل اعضا لجنه ها همواره این بوده و -
هست که حتی الامکان عده بیشتری از یاران وارد
لجنه های امری شده و در امور روحانی و اداری
تمرکز و اطلاع کامل حاصل نمایند و جمع کثیری از
دوستان بدین ترتیب با اصول نظم اداری بهائی
آشنائی یابند و این تغییر و تبدیل البته مبنی
بر عدم رضایت از اعضا سابقه که اوقات خود را
محضاً لله مصروف خدمات امریه فرموده اند نبوده
و نخواهد بود بدیهی است محافل روحانیه محلیه
نیز از تغییر و تبدیل اعضا لجنه ها عمین منظور
را داشته و دارند البته نفوسی که شائق و راغب
عضویت در لجنه های امری باشند خود را با ذکر
سوابق امری مصرفی خواهند فرمود تا در مواقع
انتخابات اعضا لجنه ها از وجودشان استفاده -
شود .

سوم - چون بشارات امریه و اخبار روحانیه
داخل ایران باید بوسیله مجله (اخبار امری)
با اطلاع احباء الهی و اماء رحمانی برسد از محافل
مقدس روحانیه محلیه متمنی است اخبار روحانیه
محل خویش را برای درج در مجله (اخبار امری)
باین محفل ارسال فرمایند .

چهارم - احتفالات لیالی جمعه

چنانکه در مجله (اخبار امری) شماره
سوم مرقوم گردیده تشکیل احتفالات لیالی جمعه
برای دادن اطلاعات امریه باحباء الهی فیوق
العاده مفید و سودمند است و اگر محافل
مقدس روحانیه باین موضوع مهم توجه کامل
مبذول فرمایند بلاشک در سبیل نشر معارف -
الهیه بین یاران و بسط دائره اطلاعات روحانیه
خدمتی بسزا انجام گردیده است لهذا بار دیگر
از کلیه محافل مقدسه روحانیه مستدعی است در

زگرد باد حوادث دریده پیرهن کسل
 جبین لاله حمر است داغدار محبت
 فطیع میشود دیو و دد سلیمان آسا
 انگین کنی اگر از در شاهوار محبت می
 تو آهویی و نئی گریک از چه خصلت گری
 رها نمیکنی ای آهوی تترار محبت
 بگو بنا قهر پیمان غصن اعظم ابها
 که منحرف چو تو نشنیدم از مدار محبت
 بغیر خامه عبدالبهاء و لوح وصایا
 قلم نبسته بدین محکم قسار محبت
 بهل غرور ز وسواس دیو نفس رها شو
 بگیر دامن محبوب گلغذار محبت
 مشام اهل دل ای طاهری معطر کرد
 بدین تفلز و الفاظه مشکبار محبت

ابهائی از حقایق معانی مشحون گرد داما گاه
 گاهی دست صنع الهی از روی کمال مکرمت
 اثماری پیش ررس و اشخاصی پیش قدم ظاهر
 میفرماید تا کامها شیرین گردد و محل گامهای
 در اثر روش آنان تعیین شود یکی از آن میوه ها
 پیش ررس مصباح بود که نهال آن بدست عنایت
 حضرت عبدالبهاء روح الوجود لعنایاته الفداء
 تربیت یافت چنانکه میگوید :

با عنایات آن یار دلجو

چون نیامم من اثماری ککو

نیستم از درختان خود رو

دست پرورده باغبانم

در ایام صباوت قصیده در مدح و ثنای حضرت

رب البریه جمال قدم جل اسمه الاعلی انشاء

کرد و بتوسط پدرش بارش اقدس ارسال شد

استخراج از کتاب : "Chosen Highway"

چاپ پاریس تالیف لیدی بلا میلد (ستاره

خانم) ترجمه از صفحه ۱۸۴

حضرت عبدالبهاء در ضمن بیان موضوع

دیانت و علم که دو جناحی هستند که

بل آنها طیر وجود انسانی قادر بر پرواز میباشد

فرمودند :

کشفیات علمی سبب ترقی تمدن مادی

گشته است در عالم وجود قوه فوق العاده

عجیبی موجود که خوشبختانه هنوز انسان

بکشف آن موفق نگشته است از خداوند محبت

تمنا نمائیم که این قوه بوسیله علم کشف

نشود تا زمانیکه تمدن روحانی بر عقول

انسانی احاطه نماید این قوه بزرگ است نفوس

مادی الطبیعه پست قادر بر انهدام

و خرابی کل ارض است *

در لوحی مفصل که بافتخار

والد مکرش از سماء فضل

و کرم جمال اقدس ابهتی

نازل از جمله این کلمات

دریات است :

"لله الحمد بعد از ورود

نامه عالم دیگر ظاهر و

نفحه دیگر متذوق چه که

آنچه از جوهر فواید ظاهر

هر یک نوری بود ساطع

و ضیائی بود لامع در وصف

و ثنای مقصود عالم و محبوب

امم و بعد از حضور و

قرائت لسان عظمت باین

کلمه مبارکه ناطق قول

تعالی "یا عبد حاضر توفیق

الهی شامل عزیز علیه بهائی شد دنیا

و مرئسا له " از تاثیرات این کلمه عالی

تاییدات الهی و توفیقات سبحانی چون و ابل

نیسانی در تمام عمر شامل حالش بود در عنفوان

جرانی و ریعان شباب در دامن مهر و محبت

این بهار روحانی که فاتحه ادوار است و ابتدای
 آفرینش و نسیم جانبخش الهی در اهتزاز و جنبش
 هنوز موقع آن نرسیده که آن فواکه بدیع روحانی
 و ثمار منیع صمدانی که لازمه فصل تابستان است
 جلوه نماید تابستان امر خداوند بیاراید و حقائق

تلمیذ را استاد عزیز شوی و هر رضیع را از لبن
لذید بهرورانی طفلان ناسوتی را جوانان -
لاهوته کئی و کودکان پارسی را نورسیدگان
ملکوتی فرمائی زیان بفیض رحمان چنان
بگشائی که شزیدایع الحان اهل ملا اعلی را
بخروشانى هذا هو الفضل العظیم و هذا
هو النور المبين و عليك التحية و الثناء مع)
چون با دیده انصاف در دوره زندگی مصباح
توجهی شود کاملاً آنرا مصداق تمام عیار
بیان مبارک خواهیم یافت یعنی تاییدات
متابعه الهی و همت بلند او دست بهمداده
در نتیجه این برنامج زندگی که قبلاً تعیین
و پیش گوئی شده بود کمابیش و یلیق انجام
پذیرفت برای آنکه بدستور مبارک معین وجود
را عین فواره سازد و نهر صغیر طبع را بحر
عظیم نماید و اله و شیدای علم و ادب شد
و لب تشنه حکمت و دانش گشت یاری و تایید
حضرت باری مددکاری کرد و اسباب سفر تحصیل
فراهم شد و بعلاذمت فرمانفرا بعتبات عالیات
و از آنجا بیروت مسافرت نمود و نزد یسوعین
مدت متمادی مشغول تحصیل ادبیات فرانسه
و عربی گردید و در یکی از قصائد در شرح -
حال خود چنین میگوید :

بتایید یکتا خداوند با نول

دلیل خرد و هنمای فواضل

بریدم بدوران گیتی هزاران

بیابان و وادی و دریا و سا

لقد كنت اطوى جلايب جهدي

لكشف الرموز و حل المشاكل

و قد كان بي اقتناء المعاني

اهم الاماني و اسنى المشا

كهی حکمت شرقیان را مطالع

كهی فلسفه غربیان را مرتل

ز فرزین حکمت كهی سبق هستی

گرفته سبق مانده كه مات جا

نظرگاه همت نه چون سفله طبعان

بدی مال و جاهم ز طی مراحل

ولی کسب علوم و فضائل تنها فیضی نبود که در

مادری جلیل القدر تربیت یافت و در آن مکتب
جز درس عشق و عاشقی نیاموخت و در گنجینه
سینه و مخزن دل جز لئالی صدق و صفا نیاندخت
صعود مادر او را با آه و انیس همراه و قریسن
ساخت و از آن ببعد بر حسب ظاهر راحتسی
ندید و دمی نیاسود و تمام عمر جز با رنج و عنا
روبرو نبود پس از اتمام مدرسه دارالفنون و اكمال
تحصیلات ادبیه و عربیه نزد معلمین مخصوص -
مخالف امیال خویش مجبور بخدمت در دربار
فرمانفرا شد و تحمل مصاعب و متاعب پیشمار کرد
ولی بمصداق این مصراع که غالباً میخواند "هر
چه عناییش عنایت فزون" گوهر پاکش هر چه
بیشتر در آتش تعب میسوخت تا بناك تر میشد
و همانطور که خواجه عبدالله انصاری گفت :
واللهی اگر یکبار گوئی بند من از عرش بگذرد -
خند من) او هم از عنایات مولای خویش مسرور
و دلخوش نبود و لو در آتش بود .

در یکی از الواح که از كلك میثاق بافتخار او

نازل شده از جمله این بیانات احلی است :

تا عزیز بداند که در این بساط عزیز است و
در آن دیار شورانگیز گردد و بحرارت محبت الله
قد مکرر ریزد و منفحات موهبت الله مشگ و عنبر
بیزد)

و در لوح دیگر که خامه معجز شیم حضرت عابد
البهاء روح العالمین لا تار کلمة الفداء برنامج
حیات او را تعیین میفرمایند از جمله این بیانات
سامیه است :

پس شکر کن خدای را که از جام میثاق سرمستی

و در این بنم الهی ساغر رحمانی بدست تشنه

روحانی یافتی و فرج ربانی جستی و سرمست کوثر

الهی شدی از عین تسنیم نوشیدی و از ماء معین

سیر آب گشتی قریحه ات همدم هاتف الهام شد

و در اسرار معانی بسفت باید شب و روز همت -

نمائی که این معین تابع عین فواره گردد و او ایسن

نهر صغیر بنحو عظیم شود تا در این گلشن الهی

چون بلبل معنوی بگلبنانگ ملکوتی بیان مقامات

معنوی نمائی و اسرار توحید درس و سبق دهی

و در دبستان عرفان حقیقت تبیان بیان کنی هر

این مسافرت نصیب او شد جاهد در سیل
معرفت باصل عرفان رسید و طالب علم محو معلو
گردید انسان عینش بدیدار انسان کامل نائل
آمد زیارت حضرت عبدالبهاء او را بکل خیر
واصل گردانید چنانچه در ضمن همان قصیده
میگوید .

زدم لاجرم دست عجز و توسل
بد امان منزل شناسنده دل
بر آوردم از عمق دل آه سوزان
ز دیده فرو ریخت غیث و ابل
همی گفتم از راه دل تیتل
که ای دل بوصل تو مشتاق و مایل
ز تاثیر تاب و تب هجر رویت
مرا روح مجروح شد جسم ماجل
ایا ابر احسان و رحمت فایطر
ایا شمس جود و عنایت فاضل
شد آن التهاب و بد آن ابتهالم
بدر دل خسته درمان عاجل
ببزم حقیقت مرا در نمون شد
همان آتش و آب نعم الدلائل
بلی قلب پر حرقت و چشم گریان
بارض مقدس مرا گشت موصل
شد آنسان چشم در آن صحن مینو
منور بدیدار انسان کامل
شه بندگی مرکز عهد ابهسی
پناه یتیمان ملان ارامسل
سنی المرایا عظیم المنقاب
بهی السجایا و سیم الشامیل
بزرگان تحقیق در محضر او
چو در حضرت علم اقوام جاهل
حکیمان منطق در پیشگاهش
چو در چنگل باز مرغسان بسمل
مرا داد چون بار از راه رافت
بدرگاه خود آن جمیل الخصال
تبسم کنان مرحبائیم گفتا
وزان مرحبا رنجه گشت زائل
زدود از دلم غم بلب خند شیرین
ریود از سرم دهن بمستی مهرول

فانست نارا صفا قلب موسی
بانوارها فی اعزال معاتسل
ز ناری بر افروختم گابن عمران
لنر آن مصطلی گشت در کوه
تو گوئی که آمد دلیل طریق
پی طی مقصد هزاران مشاعل
ز بام و درم میزد موصل آمد
مساعد شد اقبال و هم بخت مقبل
بتبشیر نزدیکی کوی سلمسی
شنیدم ز هر سو صدای جلال
بتسبیح یزدان هم آهنگ دیدم
ببخور و صحاری صخور و جنات
باری چون بغیض نقای حضرت عبدالبهار رسید
و خمر بقا از دست ساقی احدیه چشید بیخود
و سرمست شد
مست می بیدار گرد د نیمشب
مست ساقی روز محشر بامداد
اگر چه ایام معدودی پیش مشرف نبود اما سنگین
آن مدام او را نشاء مدام داد و مست جاودا
ساخت .

در مراجعت بایران پس از اختیار تاهل دوباره
باجبار در کارهای فرمانفرما داخل گشت و با
او بصوب کرمانشاهان باعائله مدتی مسافرت
نمود اما او را هوایی دیگر در سر بود و فرار از
آن غیر میسر چه باید بدستور مولای خود پیش
(هر تلمیز را استاد عزیز شود و هر رضيع را
از لبن لذید بپروراند) این بود که به
اصرار و ابرام تمام از کارهای فرمانفرما مستعفی
و بخد مت در مدرسه تربیت محیطی گردید
و پس از چندی بواسطه خدمات زیاد که تمام
عمر متحمل شده بود مریض و رنجور گردید و برای
معالجت با اروپا رفت در فرانسه با احباء آن
سامان که تازه تصدیق امر مبارک کرده بودند
در خدمات امری سهیم و شریک شد و در
مراجعت بحضور مبارک حضرت مولی الوری مشرف
گردید و با امر مبارک دوباره بکارهای مدرسه
تربیت پرداخت و تا چند ماه قبل از بسته شدن
این موسسه باین موهبت عظمی موفق و موید

بود *

اما اطوار و حالات زندگی او شباهت بحیات عادی مردم دیگر نداشت بقدری بی اعتنا بزندگی مبادی بود که در تمام عمر حساب درهم و دینار درهم و افکارش نساخت و همت بلند پروازش عنقا صفت جز در سماء معانی اوج نگرفت و بفکر ملك و منزل هابط و نازل نگردید شان علم و ادب را بیش از آن تصور میکرد که صرف تهیه معاش شود بلکه فضل و کمال را وسیله ارتقاء روح در مراقب عرفان میدانست این بود که بامداد قریحه صافی و مکتسباتی کافی حقایق را مو شکافی میکرد که دست کمتر کسی بان رسیدن خواهد رسید هر حبه که در مزرعه خاطر زرع میکرد خرمی بسیار میآورد و هر نهالی که در حدیقه قلب میکاشت اثمار را نثار آن بوجود میآورد و لسی بینهایت از سوء تفاهم در گریز بود و از فهم نادرست پرهیز میکرد بهمین جهت ^{اغلب} در محافل و مجالس سکوت را ترجیح میداد و گاه گاهی که با جبار سخن میگفت ملاحظه حاضرین را از همه بیشرعایت میکرد هیچ گفتهئی را بی تامل خطا نمیشمرد و با نهایت تواضع و فروتنی که جبلی او بود حتی سخن طفلی سبق خوان را با دقت گوش میداد که شاید مطلبی تازه آموزد و به معلومات خوش بیافزاید برنامه روزانه مخصوصی داشت که حتی المقدور از حدود آن تجاوز نمیکرد سحر خیز بود و برای ندبه و اذکار دست از دامان اسحار برنمیداشت این مناجات را هر روز در نهایت عجز و انکسار تلاوت میفرمود *

هو الله

رب ورجائی و مقدری و مصوری و ملاذی و معاذی ان عبدك عزیز قد تدل الی جبروت الجلال و تبطل الی ملكوت الجمال متمنیا الحصول علی الامال و الوصول الی ساحة الفضل و الجود و الاحسان رب قدر لکم الوفود علی الرحاب الشاسع الحدود و الورود علی الورود المورود و التمتع بالرفد المرفود و التوصل الی الوعد الموعود رب اجعله عزیزا فی مصر العرفان و ذهابا بریزا فی کنز الایقان و اینه بجنود ملكوت قدسك فی السر و الاعلان و انصره بجيوش ملائكتك فی حیوان الاکوان انك انت المقتدر العزیز الرحمن و انك انت الملك الحی القیم المستعان ع ع

چون از کارهای مدرسه فارغ میشد تمام روز را صرف مطالعه و تحریر میفرمود و عصرها گردش روزانه را نیز فراموش نمیکرد در ساعت معین از خانه خارج میگشت و در امکنه کم جمعیت مصفی کنار جوی آب آهسته گردش مینمود در این مواقع اگر چه در زمین سیر و تمشی میکرد ولی ملکوت آسمان را تفرج و تماشا مینمود و چنان از باده عرفان سرمست میشد که گویی بکلی از این جهان بیخبر است معین خاطرش در فوران میآمد و سرچشمه قریحه اش در نبعان و گاه گاه که صهبای معانی را در ساغر الفاظ میریخت نظما ام نثار آنرا در لوح سینه میسپرد و در لیالی چندین ساعت متوالی مشغول تحریر مطالعه میشد اما قوه باصره که از ابتدای ولادت ضعیف و نزدیک بین بود بواسطه کار زیاد کم کم بر شدت ضعف افزود و ایشانرا مضطرب و پریشان مینمود میفرمودند از ندیدن مکررات آفاق و انفس چندان بیم و هراس نداهم اما کارهای کردنی بسیار دارم و کتب خواندنی بیشمار عاقبت کثرت مطالعه و تحریر بکلی چشم را نابینا ساخت و هر قدر از نور دیده کاسته میشد بروشنائی بصر دل می افزود و هر اندازه از تحقیق و مطالعه کتب بیشتر محروم میشد بتصفح و تدقیق کتاب نفس بیشتر میپوداخت شخصی که مدام از خوف نابینائی آرام نداشت پس از آنکه بکلی از نعمت باصصره محروم گردید دیگر شکوند داشت و برضای خدا راضی بود یکی از تمیزات و تشخیصات این رجس جلیل القدر آنست که در دوره حیات دو روزش مساوی نبود و پیوسته در معارج کمال را قس و متعالی بود و بهمین جهت تالیفات و تصنیفات گذشته خود را بچشم حقارت دیده اگر میسرش بود آنها را محو و نابود مینمود *

محفل روحانی ملی بهائیان ایران